



مكتبة الملك فهد بن عبدالعزيز
بمكة المكرمة
رقم المكتبة ١٢٣٤
تاريخ ١٤٢٥

< ٩ <

١١

١١١

٧٦٧

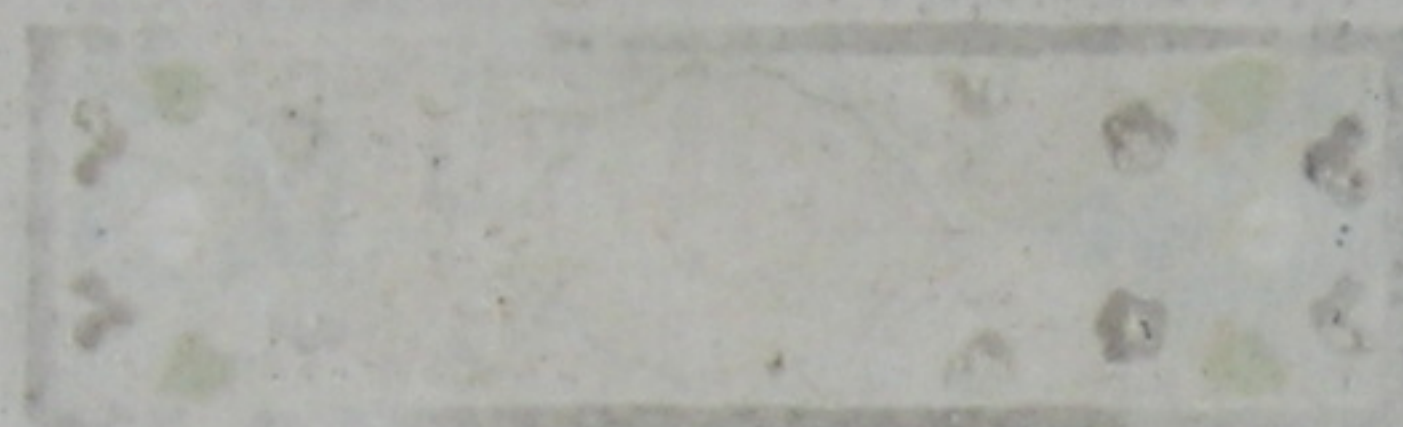


نمیت این کتاب لطائف
عبد محمد و اصف
از محمد...

هو
اصحی
عمره

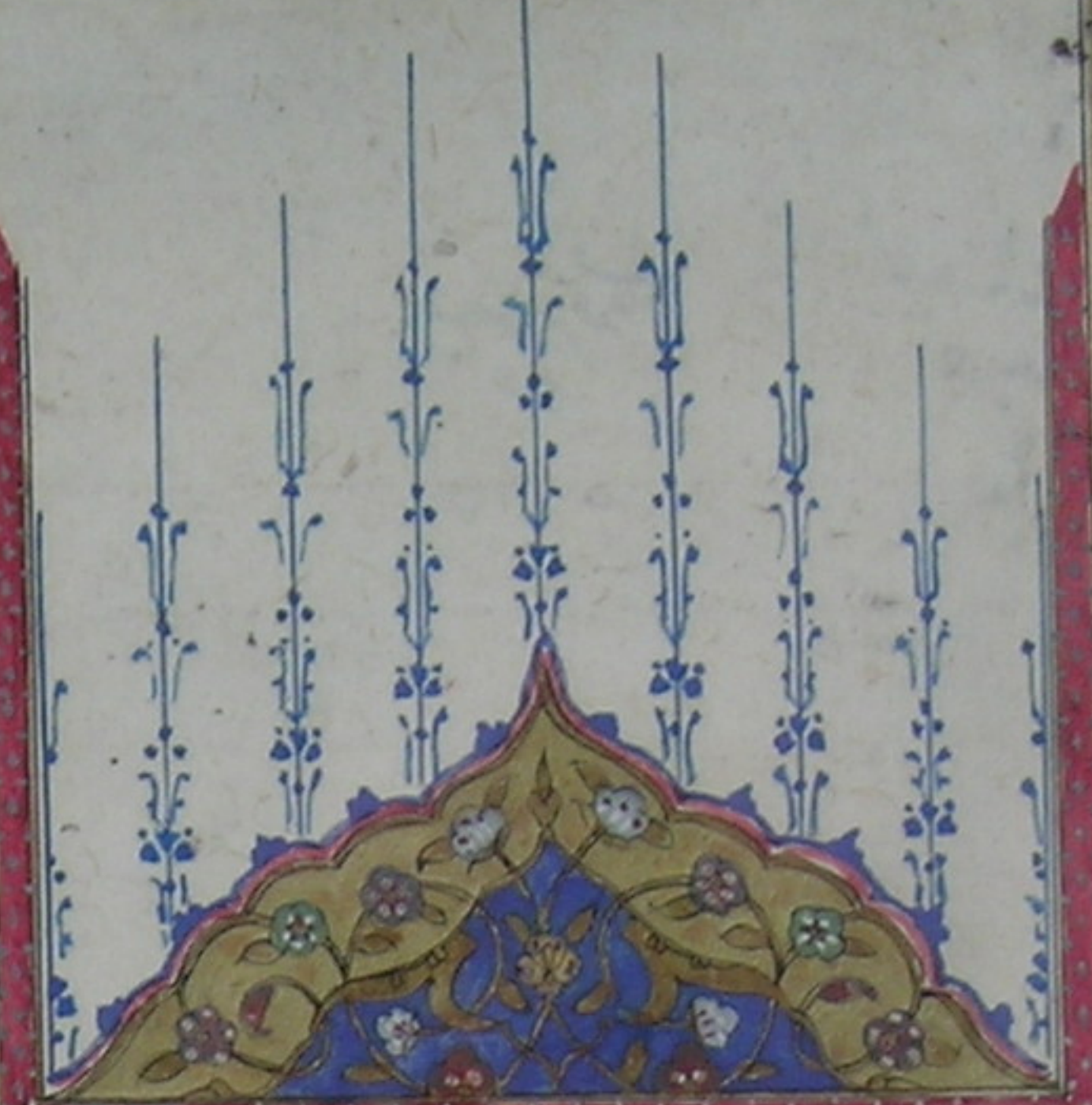
پیشام

798



صده یوزوسی
791

Süleyman ve U. Kütüphanesi	
Hacı Ali Hacı Paşa	
Eski Kayıt No.	864



بسم الله الرحمن الرحيم

هر کنگره کنش جمال شاه فرط اسبخت پیرای ملک تحریر و طلا
و انتظار چشم قدم شاه کار فرمای قلم و شعر و استایه
مزدحمگاه بیابانی امله سطور خلاصه بادئی فریر العین باصره
الفاظ اولان طلوع غره غرای انگشت نامی معنی امله کنگره
قوی و مشاعر غلغلله الحلال و الهی برهنه ننگانه افلاک
و عناصر ابله کلیده مداح افزین ربای بی پروا اولان خاتم
منتظم ادای نتیجه زامی نصیحه به مقدمه شیرین عنوان حمد
و شای حضرت و اهب المانی و بیاجه صحایف بیان اینهاج
اینک نخستین ادب طریقه مسلوکه سخن بروریدر نظم

حمد که را با کرم یکیت	رخشنده چراغ بزم معنا
حمد که را با جناب عت	مفتاح در کنوز رحمت
حمد که را اولان سکنی نام	هیب و در زباج خلق عالم

بو سوزله اولو میکم او اهد	الطف و کریمت قدر سکا حمد
مکمنی اولور او اسی حمد	کلیدی زبانیه عجزی حمد
کل عجزایله اول و کشت و	نقصیری حمده سر نهاده

نثر و هر اصحاب حرف نظم و نثر که دور و دراز امتعه سلیقه
کسا و نماسینه باعث رواج بازار اینهاج اولمق اوزره شکوه
تشریف معنای لطیفه متیوسازی انداز نظر الحاذق اولان
کالامی اخراعی مانوره صلو و سلام بدیع الانجم امله بخت
مقال رفیع المال اینک بهترین مقدمه ماسله بلاغت سر برت

صل بعد الرمال علی سیدنا	و عدت النری و الوابل النجم
والال و الصبح باغت منظومه	عد النجوم و ملح الطرف النسم

مقدمه در بیان تحقیق داعی حرکت کلام
مستلک و مایه تسوید این صحایف بیضا

و اعقب صلیه ثبت جریده تصور غای صورت بخت مادی
و امنیه راسخه تنظیم کلمات رکیت و یاد در برابری عت
بسط بساط صداره قصور تعمیر و ادا بادئی افراشته دیبا
معنای خوشنما بود که نویسنده روی این اوراق
نصایح و کشت نحوی و نکاسته حد و این صحایف بند
و لغزاجه وی بهانه جوی و خول حرم آرزو و بذله کوی
همه فان سر فرو بارکش اندوه عذاری و کلد کوبت
عذاری غلطیده زیر بای استعداد سله خور دست
معرفت نامراد با کشیده بزنگاه مرا می و طیفه خوار غنیر

ناکامی نخل نمون جور بخت حرون خوش نشین کناره صبر
وسکون درین بند دولت گرم کسری کبری زاده عید
بیری لیسرا لیسرا لیسرا لیسرا لیسرا لیسرا لیسرا لیسرا

طالب فیض از خدا تیر خواه کبریا داعی لیری جبین سالی در لطف عطا

نرمه مدیده گرمی کشیده کی اخراذن خزان دیده اولان
نخل امیت نمر ندیده تقایب صرصره خاطر نا بر جایله
اوراق انتظام حصول و تصادف رباح متخالفه المهادن
مترزل پنج شجره ثابت الاصل نامول اولوب مصروف
دست باغبان درون اولان از بار نقدینه استعداده
امال تهی مانده برکن و بار خیال اولغله با کشیده ساحه
نشسته ساز جسد رصفه بیت اجر نایامیدی اولوب
انتظار الفوج ابتدا الفوج نشیدی گشت زار امله رشته زین
و ابران من صبر ظفر سیراب نمای فریب اولغله انتظار
خوشدم ربع سعد مقدم نصیب ایله کناره نشین کانونه
اولوب لاحسته اعلى من الصبر مصنون و لکناسی الی طفل
ساده لوح وله فریب بخش در کنی و ازاده کی اول نور دمی نظم

صبر کن همجو شکر بادل تنک	صبر کن همجو که در دل سنگ
نشودنی نجر از صبر شکر	نشود سنگ جز از صبر که
تا بصر جرح فلک کرد است	صبر در وی روش مهر است

نرمه و بیکه سکونت یابی تابش دل طرفه عنان تاب
و جریده منامی دل حاوی اولدوغی صورانی احواله نمه انداز

اصطبل

نمکه انداز چشم دانش اولدقه کلمه خواستش فی الاصل
اوزره بولوب داعیه تخرکی قاعده تخرکی بالکسرک لغینی
ارائده دل از زده ده اولان عسر مدعک جشم خلقه
اصابت عین تصحیف و قلب ایله شکسته خم کسوی در هم
اولغله نصب نفس نفس برله وجوده کلان مساعیدن
حصول مستلقات فعله ارزوی نشیت جایکیر دل سکون
ماندیر اولغله استاد خرد خروده بین مسئله حضور قلبه
فقیه قیدین اتمکله سمت تحصیل معارف و کماله کمال
اهمی اماله برله بانا به سعی و اهنای کشیده کی بای استغله
اجاله و نقدینه حدثان مصروف سالبه کمال ایکن شکل
عظیم الاتیاج رابعدن ترتیب مقدمات نتیجه زایله نماینده
حصول قضیه موهبه مسئله الجبول که نخل بار کران عریان
شود مند بازار جانان اولمز و دمیده نبات آمال مرعا
نفوس و حشیه جیره مال او جیا و سبکبای کران قیمت
یابسته اصطبل حرمان اولغله از زده و بر یاس و اخرا
اولوب استصنع کار بهیمیت اولان علقه ارجها لک فضایی
مصور لری سیراب سازی رشحات حصول ایله سبزه
و چستان انبساط اولوب خوب اما نیزی اظهار سرفرازی
برله خوشه و ارتعین و ظهور و مزایع معارف و کماله
در زو مند بسته ساز سنبله نیک حال ایله بذرافتنه اجده
مولان مداد حشیده فضائلک حبات مرادی القاطع

شامت و ناز جهان ایل زائل و جایگاهش پذیر حصول
 اولان خوش سر کشیده بقایای کشت زار امان بریده حشر
 تیر و ندان انفعال ایل بی حاصل اولدوغی نمانده لکی انضامی
 ایل و غنچه فرمای دل و دینم و سوسه ندیم اولد قبح اول
 و انش بزه و صفوت شکوه نصیحتکرمی بولندن بو کونه کبر
 اولوب صحبت اصحاب کمالدن اکتساب و انشوریده عدم
 یاوری خاصیت طبع ناعطوبع بهیمیت اولوب نوع انسانک
 سبب گذارش مرتبه بهیمیتی میدان سخنوریده کوی ربانیت
 ایل بالایی استعدادی قیاسی زرتار کمال معارف ایل مطرز
 و دوش اعتباری تشریف زانند و علوم عوارف ایل
 مبرز اولمیدر اتمه استعداد طاری اولان کس او
 کرمی شکستی رواج بازار او غدا ایل بر طرف اولوب مجدا
 زین و کاجه اعتبار و امانه سر افتخار اولسی جز مکر و دق و قیقه
 شناسان ثقل زاندر اول دم مخمسه دم ده اولد
 کنج دکان و کوشه کزین طاق ویران اولان سرمایه را
 امان و بیای زینبای معارف و کمال بدرقه طالع اعانتی ایل
 ابتهاج و اتمه اراده نصاب دار و رواج و رسیده رتبه شراح اولور

در عوفا قیامت اندوزی بود	روزگرمی خرد و روزی بود
با دور دست علم سرمایه	بان رواجی میرسد روزی بود

در دیو رسته اند از اجتهاد اولان غی و حصصی رانده و در بیا
 تغییر اتمکله سر حمله عده اهل اس و سمت تحصیل کماله صورت

صورت رجبی احساس ایلد که روزان و شبان آما و کمال
 مدرسه درون اولان زواهر لطایف و معارف کمال
 قوه و ن بر و نری بیدا فطنه جلوه کر بکنه مرکوز قویچه و کوشه
 اولان علو ذاتی تحریک انا مل بهمت اتمکله صد فحیه درون
 زین و درارمی کالات ایل نایس پذیرد کاجه اهل کمال
 اولمشیدی کس غار کمر متاع سوداگر کمال بخت و شتاب
 سامان ربائی اهل دانشده خرج سینه کار ایل سارنده
 شرکت اولمکله سبب تر اید رأس المال و ونیت اولوب
 و روز مداه جگر سوز نایس نامی وجود و محنت الود و جامه
 نامرادی نهاده کناره نرم نایس نایس نایس نایس نایس نایس

جام غشرت نوش بیدرد و کمر بکشد اهل دل بر جرمه کمر غشرت
 فخر و غمی رانه مختحانه دل نامرادی ایکن غلبه بی نایس
 اکر اردن ساهد طبیعت خمیازه بی وری بی ارامی ایل سر کر
 خوابی ناکامیدن نایس اضطرار به انکار به مردم جهان پیر
 غنوه و جلباب این اولوب عارضه نقص و خلط بدل بکل
 حاصل اولق اوزره روح متهداضه غذای شربانی روحانی نایس
 نایسای شهرستان خیال و سیر زینتگاه مثال اید و ب
 قوه ملکوتی ایل انتقاس صورت حال اید رکن بیت

قدم مرد فرج دم مرصه مرصه ایدر بایس لب نهامی لجان نایس
 مر شمع آفتاب جمالی رونق پذیر با صبر استجیا و پرتو نور جینه
 عکس انداز مرآت بهجت نایس ذات ولایت سمات طلوع نایس

اوله ورق تاریکه بیت الاخرانه قدم نهاده شریف اولوب سب
 نیاز پیش کسنا خانه برله نشست جامی صدرا اولده خجله نشین
 خیال اولان نوع و سمال تنق ارامی ملا لکن رفع حجاب انقباضه
 تصدی برله جواهر کلمات خیر النعال مسرت عجبی رسته توره نظم ایله
 بنا کوشن مخد و اویره کوشن مکره ایدر لکونه ادای خوشه مرده اولدیکه
 بره از غم که ترا نجم سعادت بکشت دیده بخت تو از خواب که بیدار
 یعنی ان ماه جهان کرده باقبال طیش شد جهان بر تو عدلش به بخت
نرسب طلسمه دای که رده سر بایلین تغافل اولان بخت خواب
 استغناک رسیده هنگام بیداری و کناره افق دولدن طلوع
 نیز سعادت ساحلی نیایه امانه دم بر تو اندازد دستنایی و ستار
 نازک ادای مضمون استنای لطف حب و در آسندن معالکه کوی
 صباح انحر ایله اظهار وضع دلا را بیدن قریر العین اولدوغی
 و ملر در که سبل انفعالی اب تیقن ایله چشم دلن ازاله و رو
 استصواب ایله اذابه ایدوب استطلاع اعتدالی اوانه نظر انداز
 شود اولمق سیاقده مایه انجا دورون اولان زهر بریتیدن
 متحیر بخیره حرمان حرارت ربیع لطف طبع اوان ایله ذوبان
 و بیابان عدیه جریان اولدوغی مشاهد اولمقله خفی اولمیه که
 دم سر دئی حیرت فروز منضمحل تاب نیز عاطفت و مندوب جلال
 مهر معدلت اولمق زمانی نمایان و رشتحه یاسنی توفیق ایله کلان
 منرفعی زاویه الحکام اولان از بارامانی رونمایی ظهور ایدر خند
 و سقای ابر بهار مبارم ساقه کشتن ساری مالی باران انعام ایله

ایله شاد و تبر و ریاض و فراتش باد صبا لطف فضایی دلار
 مستعدانه قالیچه سبز رنگ چین احالی افرشته ایدوب
 هر زبال ستم دیده تند باد احران اوراق پریت یک فراهم
 برداشته دست شکوی قلوب یشگاه کار فرمای داو کوی
 اظهار نظم کداری و ترهت فرای حل و عقد هر بر خنجه خدش
 نا دیده کریبان صبر و قرار لب جاک جاک و از زده خار خار
 استیاق تلاق اولان عنده لب جان شیون کدازک
 فریاد و زاری مهم ز امور بیدلان اولان شاه کلسانک
 کوشن زدی اولمقله اجرایی مرا سم عدل کتیر نیده بر قاعده
 و قانون دولت مجازاة من جنس العمل ایله نظام بخش مالک
 بیدادی و ترتیب نظام حال نامرادی لازمه شعار دولت
 ابد بیوندی بلنمکه اول ذات کریم السجای استخج الخصال وجود
 عظیم انجمنی موصوف الفضائل مقسم انواع لطف و احسان
 اولان آسمان معدلت عنوانه جبهه فرسای عبودیت اولدیه
 داعیه روع و منعی بر طرف و استعجال و خول و درون کاشان
 مجد و جلالت و دولتمانه غرور عدلته تکلف بر طرف اولو
 صف النعال و ادخوله صمیمه اظهار کامجور بر لیه نهاده دیوان
 الادب و میدان رها یا بیده بسته لب اولوب تر جبار خانه
 شیرین لهجه شنیده تعمیر و وساطت سفیر ملک کدر حشیده نصیر
 ایله الدین النصیحه حدیث شریف اسلام مدارای ایله بار بیدل
 و بر بندنامه تحفه الملوک جامع نظام ملک و ملل تحریر و املا

سر آغاز و مقدمه بیان حالی مقدمه چند سطور مرام بالی قلبی
 عرض پیشگاه و ادوگری استیکله امید و نوز که در قیامه گشت
 کشیده فرمان قبول و عضو ایله مالک منشور نش طادری
 و دخول زمره و خلیفه خوران استعداده مسلم البراکام
 و نام بی نشانک مطبوعه زیر دست امین حافظ اولان
 و قمر محبت دیده کانه قید ایله ازاده کی رسم کشیده
 اکتساب ربای برله مالک قلم و سروری اولنه که بویله
 التفات اهل کمال حلانده فلکدن کام المایحی کام تمام
 بهیات اولن لازم کلمه می دیو ختم کلام غریب لافها می
 بر تعبیر عجوبه ایله مطلع کلام مقطع اختتامه سید کده داعیه عالم
 مثال ایله رسیده سمع تصور و نقش خزانة خیال اولان صورت
 مستریر بودم معدن کتر یعنی افق مکر مدن طلوع خورشید
 سلطان زمان ایله جار حجت دنیا ضیاء برده مناوله و غنی
 فرح عنوان اولن احتمالی ایله نگاه مدو شانه می سریره دانی
 کاسته قلوب بوبرج کلام منظوم ایله حل کرده احتمال
 لای تقریری تنظیم ملک تعیین ایله می **نظم دلپذیر**

الا ای جانشین بزم حیرت	ندیم غم قرین بار محنت
زمن بستی ترا کویم بیای	که از غم دست شو میکنم
بروان اسنان جشم آفتاب	سندی بینانه بینا کیتی مشتاق
غبار خاک او غبر شربت	فراز طاق او با بزم بهشت
بتعطینی بنه سر استار	غبار تو تپای چشم جان شرا

بند از درونت منع بسیار	ستابی کن زیر جوب دریا
جو برخواست برده زمار اولان	کندان آفتاب فیض تابان
وهد تا بنده کی جون طلعت او	ملک اندیشه جزیمت او
نه دانش شد خورشید عدالت	ر بوده طالب فیض سعادت
نظر باهوش جرج یایه دون	بس طلقه برتر کردون
جهان بنیان شد از کوهر انور	چه جام جم چه مرآت سکنر
کمی بر سینه که بر کف شود جا	کند فرما زوای کج و بریا
جو بنید اش سیاله بر روی	خراب دل بداندان نیکو خوی
لبت در بسته پیش او بکن	ز هیبت سرفرو کامی طلب کن
ستایش کی بود او را سر اولان	نماید و عایش بود تکرار

جو خوالی مطلع سحر الما
 بدالی نام او بی حرف ما

شرب و بجز نعل که از ده تیر ساز مجر درون در هم نوارک
 رسیده سقف بالا خانه بنی کون اولان و در بیج ایمنه
 ضمیمه غمیتخوان ناکامی برله داخل رجا به تخیل اندیشه اولان
 تصور خیال یری و شک اینه که نمون ولده صورتها اومسی
 ایچون مد نظر طفل خسته دل وجود متاد می اولوب بالا خرو
 بر کار وارتاب و برقرار اولان همفان مشاعر کنایه
 و بد به خدمه قوی دن تفرقه نمون تعطیل حواسن معرض ظهور
 بیدار و او بخت در یجه تماشای شود اولان پرده اجقان
 فرو نهاده و مار مرکان ایله پیچیده زیر طاق ابروان اولده

شرحش خلوتی درون اولان شاهنشاهی و عالم غیب
 جانی مسرت و صافی ذائقه و لده حالت انکیز اوله و غنی
 فرصت اولوب اریکه نشین خیال اولان ذات ابدت تاب
 شکر فک امتثال بر فرمانی اولوب اعانت بر رقه توفیق و رهنما
 هدایت نیکو رفیق بر بند نامه مندرج الایات و الاثر و احکام
 و العبر کشیده سلک تحریر و پیرایه صحایف تبیین و تشریح و تفسیر
 قبول اولیق امید و اریکی ایله عرضه کرده پیشگاه حضرت انور
 مکرمت کیم و مرتبه بخش معذرت پذیر می به اجترابر به جبین
 درگاه و عاده مکر بسته کی قیام و لده اولندی

امیدم انکه کشته نظره غایت و برات حسن قبول و ارجحان

شرح و ادایه کیران نصاب معارفه و سعاده وصول و زبانه
 مستحب الحصول محال اید و کی بر امر بدیهی المال اولفله و کنجینه
 ارزانی دست رسی ایله اکت تروت جاد وانی یه سید
 اولیق الجون مغربی سیه جانه دمی حمایه کنج جوینی کام کیز
 مکارم تا خوانیدن استطلاع و فاین مدایج شاه فیض آثار
 ساهه مسجده الکفاف در و نده مذامی حواس باطنه مک بود و نور
 ایله جدل انکیز اوله رقی مد نظر تکایو اولند قدیه یا به سینه
 نسبت ذروه معارج مطالب رتبه دون و قدم نهاده تصور
 اولیق حوصله تکلدن بیرون و کنجشک ضعیف برتر و دوام
 دایره سینه او غایت محال و طویره تیر خیال هوای تصور
 صید نه سلسله جنبان اقتدار اولیق نه احتمال در **قطعه**

انیمز احاطه و صفی مجموعه درون
 لایق بو ثبت صفی اخرو زمانه
 بکل اللسان عن باب خضله
 و یا لی البیان عن علو جلاله

شرح لکن مقدمه متین عقل و نقل منبج اوله و غنی بر قضیه و صحت المدعو
 دست بوریا بافت متخیله ده منسوج اولان دیبای زرمار معارف
 تمغای نام شنشاهی مطرز اولیه سالیته قبول ناقد نظران
 اولمربا علی ذلک مالا یدرک کله لایترک کله معده مسله الفحوی
 معذرتخوانی قلمیق برله یو کونه تکاور سوار سوتی خوانی اولونور
 اولیکه تار باویه مراحم بدایع محاسن و مکارم شک بر اعه
 المصلحی سلسله الاخراج حسن نسق و ذات بی عدلی کاخید کج
 بین الما و اللهب موصوف جمع المؤلف و المختلف اولفله
 سرافراز و کلکونه سوار می جلال ایله میدان فرد و شکو هده زو
 باروی طاقت فرسایله غیرت شکن تیج و رانی ایله ممتاز
 ثبت جریده شود اولوب رقمزده صحایف بلاغت اولان
 کلمات نظمیه قضیه سی میا نده کلمات ابوتام نام و مفود
 نثریه سی ترکیب فتح باری کلام اوله ابو الفتح بستی سنان
 اولمسی عند البلاغه سیده مرتبه وجود در و است و منظره
 اختراع بدیع الاسلوبی حقا که تیج الماثر و جبهه متخیله سنان
 عبقری الطرزی دره الفاخر حکم الاشراق اندیشه سی سنان
 احوال خارجی به اطلاع الله روشنگر و نهاییه الادراک
 مبین هیئت الطار و قیقه اولده علو قدری اسمان کبی برتر

بر تو مهر احسان افطار افاده ضیا کستر و فیض مدار دست
ز رفتن خود حاتم طایی در بدر و ترسیده فی تیر جنگی گم
بهمناسندن ز زرز الو و حزن مقو خاکه جایدار و بیم
دست زور او رسا حتی مشا هده سندن کان جوهر با قوت
خون بر دل تحجب زمینده اختفا اختیار اینمندر **رباعی**

ان شاه که شاهان شجند او عین	بر خلق جهان دعاش فرض عین
رز در بر قانت ز بیم کفاو	صفت بنکر که طاهر اندر عین

ترتیب شمشیر تیغ نیز نوک لطفی را حده و مانع محفل و صدای دهل
جلالتی رعب اندازد درون ملل و دخل مانند آفتاب ظلمت زدای
افاق در و شمای بی بخش زمین و سبع طباق رافع رایت
وین از هم موضع ابیات شرح مظهر طوفانیه فیروزنی و سیکان
کشور کیم بهیمن شاه و انشور یکتا رونق افزای عدالت حاکم
شجاعت رغم انوف جباریه مغفر جباره اکاسره عظمت
معدلت آثار آثار تکاب مغاخر الکتاب سرور سر افراز
افسرور ظن پروردگار دین پرور مالک امامت عظمی وارث
خلافت کبری مکارم بنیاد اسلندرجاه فخر عثمانیان خدیو بنان
پادشاه اسلام خلیفه انام خاقان الخاقین سلطان مسلمان
السلطان بن السلطان بن السلطان احمد خان بن السلطان
ابو المعانی محمد خان خلداسه لکایام خلافت الزاهره و اعوام
سلطنته الباهره ماتت ابیات و السنون و اجری احکام معتد
فی افطار الربیع المسکون و جعل سلسله باقیه الی یوم بیقون

محمود بن الجناح عن ریب المنون بریه السامه عن سول القود الی کل
شرح اوصاف کمال توکاهی نول ای در اوصاف کمال تو زبانهایم

تر مقتضا سنجه عنقایی دشوار صید مدعی دانه حروف دوام
اقلام ایله صید اولمق مرتبه لری خیام خام اولوب **مصراع**
نیست سیرج شکاری که فقه در همه دام **تر** نشید الزام ناسی و ستود
العمل اولمقین او هم قلم مطلق العنان اول و اولیده ال اثره
برده و میکلله نازیانه اقدام دن خلاصیا فقه و بری او طبعیت

مدیحه کوی کالانی کرجه امر محال دعای دولتی بس باغ و ابرار
تر سمت دلجوی مرام دعایه اماله لجام برله نکاور سوار اقدام
اللهم کما جعلت عوائد کرمه او فرمن ان تعال بصواع البد
والکاس جعل مدة طول بقا دولته اکثر من ان تعد بذراع الیوم و **تر**

هنا دعا للبریه شمل	ارجومن لطفه انه قابل
تیر غرک بلند می مدحت شاه مکرر	نذر شدی مال ای طبع غیر و ربایه

تر مضمونی اور زه بر باد واده فلک تفرقه الکیه اولان اوراق
مجموعه مت عرو قوایی که نمونه نامی بنات العرش بریت لی
و مانند ایادی سببا تفرقه کرین بی اما نیدر شیرازه جمعیت
اولمسنیه همت و دوسیار می توفیق و پایمردی ملک هدیت
رفیق ایله جلبابه دلدیه پرور سیافته مانشطه غنیمت اولان
نصیحت نامه تحفه الملوک املاسنیه شروع و تکلفات نشانی
ساده مطبوع دل خاص و عام اولان تغییرات خوشایند الیه

منسوج اولی بسندیده خود کار از نموده و هورا اولمغه بود و او
اختیاری ایله سر اغار تطیر و بر مقدمه و چند مقاله و بر خایه اذیت
اولدی و مابنه التوفیق و بیده اراده التحقيق و هو حبی و نعم الرقی

مقدمه در تحقیق فضیلت عدل است

بد است عقل و انضام نقل ایله رسیده مرتبه تحقیق و در که مد
مدارزینت برای دین محمدی و اساس مدحت جای اسلام
ایکی امر خود پذیر بی نظیر در که تعظیم لامر الله و شفقت علی خلق الله
و بو ایکی در کران قیمت صد فخر نصیحه بر و سببانه اولمغه
فرماییده حکمت یعنی مشکاة نبوت علیه من الصلوة الکملیت
الدین النصیحه و بیو که ریز حکمت اولمغه در و میان نصیاح
عادلان نصیحه خاصه سلطان مایه و به استه و اجمع علیه الله
اولی ما نطق به اللسان و احلی ما افصح عنه الیسان و زین السیاق
خاکه یتیمه الدهر و وجود سلطان نعمت جمیله امتان کرده زرا
و حاکم حریفه بی بدل رحمان در قال الله تعالی و لولا دفع الله الناس
بعضهم ببعض لضربت الارض یعنی خدای رحمت کند عباد
بو ظلم کرده عالمه اقامت سلطان احسانی ایله دست تطاول
اقتیاد و کر بیان ضعیفای تخلص و بدعد و ان ظالمه قبه
مظلومی از او یتیم می حببت خلق حب انتصاف و عدیم
اوزرینه مجبول اولمغه امرناس غیر منتظم و معاش عباد غیر
اولمغه غیر برای زمین و سلطانی ف و پذیر اولوب بویه زیور بقاء
اراسته و مستقیم اولمایدی و بو نعمت جزیه اعطا و احراز ایله

ایله سر افراز و ممتاز اولد قلمیه امتان کونه بیور له یک و لکن الله
و فضل علی العالمین یعنی تحقیق خدای بر دور و کار اقامت وجود
سلطان ایله بخشیده عالم و احسان و هدیه ام در طالم بدینا
فضلی دست ظلمی خوف سلطان عادلان مکتوف و کونه اولمغه
عقاب داریدن امین اولور و مظلوم مرحمت الود و فضلی مد
عفو ظالمه سلامت بین لکی اولوب جمله به فضل و احسان
اولور پس وجود سلطان عدالت کرین ایله امر معاش منتظم
و ف و و ظلمه ن جمیع امین اولور بر از و یلی مستقیم
ابن عمر رضی الله تعالی عنه حصر کردند و محبة الاسلام کثیرین
حصر کردند روایت بیورر که رسول اکرم علیه من الصلوة
اتم حصر کردند وجود سلطان نعمت جزیه اولد قلمیه و کتبی
تنبیه اولوب بیور و یلکه سلطان ظن الله فی الارض فاد
عدل کان له الاجر و علی الرعیة الشکر و اذا جاز کان علیه الا
و علی الرعیة الصبر و اقامت نیجکانه امور مانند نیج ارکان
که اقامت جمعه و جماعت و حدود و تعزیر و فی ذات برکات
منوط و مستند پس وجود و بیدل سلطان عالم مد افوا
اساس نبی اوم اولد و غی کبی مرجع ربکست و شتهای سبب
سبب نظام مایه حسن نظام عدل در **پس** دایره دین محمدی
نقطه عدل اوزره بر کار وارد اولمغه فاما بعد الحق الا
الضلال یعنی عدلن ماعد است عباد و در طهور بولان
افعال و امور جمله ضلالت و ظلم در پس سلطان نیک خوی

خیر جو به عدل ایلد نصیحت ائمه مسکین و عامه موعظه نصیحت اولور
 زینرا نفی اشعل و فائده سی احکل در **و عقلا** و بیشتر در که الملک
 العادل للامم سور و لایام نور زمانه فضل الریع غاب بر
 و طاب و رده صلاح رعد و لاج سعده جاد سحابة و عا
 سبابه تره صناعیه و نیز بدایه تحضر حدایقه و تحریق
 تو فرا ذماره و کثر انهاره و خدای غطت شعار حلب و صفا
 نظم کریم جامع اللطایف ده بر محله طریقه پسندیده اخبار
 امر که دلالت و جوبده طریق التبادون اکه و اتم در ایثار
 ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتا ذی القربی تعدل فرما
 و حمل و یکرده ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها
 و اذا حکمت بین الناس ان تحکوا بالعدل قول کریم ایجاب بالعدل
 زینور عنوان تقریر اولان در که ان برای باب فضائل عدل
 کافی و حسن نظام ده وافی و نصیحت ملوکده شافی بر امر
 تفصیلی کنجایش نابذیر حوصله صحایف روزگار در لکن بوجوه
 حوصله کیر محل اولجن مرتبه صحایف اوراق کلکونه بطور الفا
 عدل ایلد بیر استه و بوالیکی ایه کریمه تک بیان لطایف معانی
 اجمالاً اقوال مفسرین کشیده سلک تحریر و امام مقاصد ده
 ابعثش بعبیر قلندیکه حین مطالعه فرماید خاطر زکا و شفا
 و غنچه بیر اولیه و مابه التوفیق و هو خیر الرقیق

مقاله در تفسیر قوله تعالی

ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتا ذی القربی ما بدیه طلب

طلب تفسیر ده ما و ای هر غاوی علامه عالم مولانا بیضاوی
 تفسیر جلیله بگونه در سفته تقریر اولد بیکه ابن مسعود
 رضی الله تعالی عنه حصرتی بوایه جامعه مہمات دین حقد
 بونوعه زرافشان تحقیق اولد بیکه بوایه کریمه بیان ایت
 قرآنی ده باب خبر و شروه جمله آیکردن انجم و اشمل و سبب
 اسلام عثمان بن مظعون در و رقی ایدوب بیور و بیکه
 اگر قرآن کریمک البجده بیان خیر و شروه بوایه کریمه دن
 غیر ایه اولسه ینه نظم کریمه بنیانا لکل شی و هدی و رحمة
 للعالمین و یک صادق اولور زینرا بوایه کریمه جللی جاعده
 ان الله یأمر بالعدل یعنی تحقیق الله تعالی عظمی جلالی ایلد
 لطف و رافقتن سره امر ایدر اعتقاد و متعلق اولان امور
 اقراط ایلد تقریط میاشده وسط اولان امور ایلد حید
 باری تعالی کبی یعنی اتم و آید اثبات ایدوب زیاده سی نفی
 ایتکدن عبارت در متوسطه اقراط ایلد تقریط میاشده که
 اقراطی تعطیلده عبارت در یعنی صانع تعالی لیک صنعتی خود
 صانع تعالی لیک کندی نفی ایتکدن عبارت در و نه بیک قولی کبی
 و تشریطی تشریک در یعنی باری تعالی یہ تشریک قوسوب الله
 مستعدده اثبات ایتکدر و کسب متوسطه ایلد قولی کبی که اختیار
 جزئی دخی تسمیه اولمستدر افعالک جمیعاً خالق الله تعالی
 انذن غیری خالق یو قدر لکن حصول افعاله کسب عبید
 مدخلی وار در یعنی قدره الله و کسب ایلد حاصلده و بیکه

عبارت در افراط ایله تفریط میانده و سطر اهل سنت ^{بسیار}
 افراطی جبر در سبب اختیار جزئی اید و ب جمله اشیا تک فاعلی
 و خالق الله تعالی در عبدک یدنده برشی بود در جمله ایستند
 مجبور و در یکدن عبارت در جبریه مذهبی در و تفریطی عبد
 افغانک خالقیدر جمله اشیا عبدک قدرت و اجباری ایله
 حاصلدر و یکدن عبارت در معتزله مذهبی در تفصیلی علم اصول
 کلامه مبتدع و عمله متعلق اولان امور و دخی افراط ^{عبد}
 تفریط میانده و سطر اولان اعمال ایله امر ایدر او ^{اجبار}
 عبادات کبی که افراطی بطلالت یعنی بالکلیه عباداتی ترک و تفریط
 ترهیب یعنی بالکلیه مباهاتدن بلیه نثره و ترک در بوا یکی افراط
 و تفریط میانده و سطر و خلقه متعلق اولان اخلاقه
 افراط ایله تفریط میانده و سطر اولان خلق ایله امر ایدر
 جو و کبی بخل ایله بذر میانده و سطر ^{امی صل} عدل ^{است}
 افراط و تفریطی میانده و سطر اولان خدا اعتدالدن
 که راس فضائل و سر شمائل در که نفوس بشریه ده مستودع
 دست حکیم مطلق اولان قوای اربعه تک خدا عند اللزوم
 عبارت در که بری قوه عقلیه ملکیه بری قوه شهویه بهیمیه
 بری قوه غضبیه سبعیه بری قوه و هیمة شیطانیة قوه عقلیه
 ملکیه تک افراطی جزیره تفریطی بلاد و سطر حکمت در
 قوه شهویه تک افراطی خداعه تفریطی خود و سطر عفت در
 قوه غضبیه تک افراطی تنور تفریطی جبین و سطر شجاعت در

در قوه و هیمة تک افراطی بحر تفریطی حق و سطر تواضع در
 پس بوقوای اربعه دن اول ایلی قوه حاصله اولوب
 میانگندن خبر الامور اوسطا نحو اسی اوزره حکمت و عفت
 و شجاعت و تواضع بود و دی مدوح بانی سکرته مذمومدر
 و بوقوای تفصیل اقام و حصری و حمد و حلف مایه تحسینی
 و مذمومندن اجتنابی طریق کتب حکمیه و اخلاقه مبین ^{مستفاد}
 صدر اندوه میسر و ملغله مناسبت ایله ما نحن فیها لازم
 اولان مرتبه بنی بیان ایله الکفا اولندی رجعا الی مالکافیه
 و الاحسان و دخی احسان امور ایله امر ایدر یعنی امر اولان
 سیکری لایق اولان وجه اوزره او آیتک اول احسان
 طاعات و عباداته با کمیت حبسیله احسان اوله تطوع ^{بالنوا}
 کبی با کیفیت حبسیله احسان اوله مقام عبودیت و سر و کام
 ربوبیت شود و نده استغراق کبی که الاحسان ان تعبیه
 کالک نراه حدیث سترقی بومعنایه استند ^{فد لک} عدل اوزره
 زائد اولان امور گاه احسان اولور گاه اسات اولور طاعت
 عدل و اجیبانی لایق اولور دخی وجه اوزره او آیتک دو و احسان
 اوزره زائد اولان سنن و نوافل طاعته احساندر ^{نکونه}
 علامه بیضاوی بوجمله احسانی احسان با طاعته حمل و تطوع
 مابنوافل ایله تمیز الکفا ایله لیکن بوجیه بر تفصیل تفسیر ^{عنه}
 کوره تعیم بعد التخصیص قبیلندن اولوب امری معنای عمومیه جمله
 محتاجدر تأمل و کیفیت طاعته احسان هدای معنای کوبر ^{کونه}

اخلاق عقلی و اخلاق محسنة

و سرافات

اجتماع حواس و مشاعر ایله عبادت ایتکدن عبارت اولدی
 الکه احسان تسمیه سی طاعنه مبالغه ایله نفسنه خیر و فعل حسن
 ایصالی ایله کانه نفسنه احسان ایتن اولدی لیس عباد
 نفسنه احسانه سبب و مغلطه مسیله اسمی سببه اطلاق و حسی
 طاعتک کند ویه احسان تسمیه اولندی و بوا احسانده تنظیم
 لامر الله و شفقت علی خلق الله و اخل و شفقت علی خلق الله
 تحننه اقام کثیره مندرج و اعطی صله رحم اولمغه خدای
 غم نرّه و نوال تخصیص بعد تعظیم طریق حمد و حی اورزه شانه
 ایتما ما اولاد بالذکر ایدوب و ایتادی القوی دیدی یعنی نایاب
 محتاج اولد قلدی سیدری اعطا ایلد امر ایدر صله رحم مجرد مسقط
 راسی اولان بلده یه و ارمغه مقصور و کلدن امور کثیره ایلد
 حاصل اولور محسنه مذکور در تفصیلی بیانه اولمغه حاجت یوقد

مقاله در تفسیر قوله تعالی

ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمکم بین
 الناس ان تحکموا بالعدل بو قول جامع المحاسنی تفسیر نه و فی
 علامه یکنه سوار تبیان بو نوعه کهر پنج بیان اولد یکنه خطاب بکم
 مکلفینه عام و الامانات کلمه سنک تعریفی جنبه ایچون اولوب
 جمیع اماناته عام اولمغه معنای لطیفی و یک اولور که ای مرتبه
 تکلیفه قدم نهاده اولان نبی آدم خدای آفریده کار سره شفقت
 ایدوب علمی ایجاب ایدر صیغه امر ایلد سره امر ایدر که و تکراره
 غیره توبیه سی لازم کلن حقوق و اعمالی بعد التفتیش و التفحص

اهل و مستحقه سیارش و تقلید و مستحق موجود الکن غیر مستحقه
 سیارش و تقلید ایلد خدای ذوالجلال و رسول متعال و
 جماعت مسلمیه خیانت ایتیه نر که من قلد اننا عملنا و فی
 رعیتیه من هو اولی منه فان الله و رسوله و جماعه مسلمین
 حدیث مقبول اولی الالبابه ما صدق و مخالفت امر فری
 ایلد عذاب الیمه گرفتار اولیه نرات عذاب الی شدید و اذیم
 بین الناس ان تحکموا بالعدل بو قول کریم عند الکوفین امر
 و اخل و ان تؤدوا قولنه معطوف قدر لکن معطوف علیه ده
 ماموریه او امانت الی الاهل در بر وقت مخصوص اولوب
 جمیع وقت لازم اولمغه اطلاق اورزه بیان اولندی لکن
 بو معطوف ده ماموریه حکومت بالعدل در وقت ترافع حکم
 مقصور اولمغه اول قید ایلد تفسیر اولندی لیس بو تفسیر
 معنای لطیفی و یک اولور که سرل حاکم اولوب ناس میانده
 حکم مراد ایدوب حکم ایدوکر وقتده عدله ملتبس اولدوکلر
 حالده حکم ایتکدن امر ایدر یعنی نه افراط ایدوب حسی مستحقه
 ایصالده جور و ظلم ایتکدره امر ایدر نه توفیط ایدوب برکاد
 و تکاسل ایلد ابطال حق مظلوم ایتکدره امر ایدر بلبله طرفینی
 رعایت نه ظلم نه ابطال اولد بویله وسطی ایلد حکم ایتکدره امر ایدر
تنبیه عاقل لبیب و فطن ادیب دیده کشای انباه و نظر
 وقت امیر ایلد بو یکی ایه کریمه جامع محاسن اخلاق معانی
 عدل فرما سینه نظر انداز تامل و مصنون جلیل القدری ایلد

ایله عجله با تائبه سعی و همتی کشیده یابی اهتمام ایست هر خصوصه
عون صمد اینده معبود و نصرت علی الاعداد است و عمر و
راز و یا و سولت ایله کامور و مصون اولسی لیری بمون

مقالات مقصوده

در تقریر بعضی مضامین که در زیر سایه آن در اجمال کین داشته
شده بر وجه اختصار و قدر طاقه ایراد گشته که تفصیل آن به قدر
نشد که کتبخ و من است و عز وجل الهدایه و فی کل الامور العنایه

مقاله در ترغیب عبادت و عدل بر رعیت است

ترتیب تاج عدالت بر سر و افشردن بی دژ بر اولان باید و شاه
سیر شدن بر می واهی بود که میانه نشسته سبیل رفو و
حشم غفلت از اشک استباه ایله ازاله و در جلال ربوبیت
رو و دیده ضراعتی اساله ایله جوینده احسان بر کعبه
و در یوزه کربلی نوا اوله که مهر جانگیر استیقه تار ایله صیاح
اوله قد سر سبزه گانده سرور می کند ویه لایق و سرور اوله
حکایه عمر بن عبدالعزیز رضی الله تعالی عنه حضرت کرمی صلوة صبحی او
و شکر و سپاس نعت خداون صکره زمان حکومته خلق ظلم
و جور ندن امین و استقامت اورزه اولنی تضرع و نیاز
بو گونه چهره فرسای در کاه کبریا اولور و یکه بو عبد ضعیف
و جاکر عجز و ذیفاک دست عمده سینه ربه کار عظمی اعطا
و وابسته فلک لکن بو عبد ضعیف نیروی بازوی جید
و سعی ایله بو کار نیر کو ارک حصولی خیر امکنده و کلید

مردان در کاه کبریا ایست ریزان اولان آب رویی در
بادیه جبر و تنگ صدق معامله سی حرمته بو کتر جا که بند
حقنه عدل و انصافه توفیق و جور و انصافه بر پیر
ایدوب خلق نیم شتر ندن امین و بنی خلق شتر ندن سالم ایله دل
بلیناه بندن رنجیده اولوب مظهر و عای مظلومان ایله **کلمه**
مرویدر که مرتبه شکر مرتبه احسانه تابع در احسن الحاح
ایک قول کریمی شاهد و انقدر پس خدای متعالک زیاده
احسانه مظهر اولان مردنیک بخت و انا شکر نده و فی
برتر و زیاده سعی ایست لازم اولور و فی لیری مراد **حکایه** بلوکه
بر می اولیا الله دن بر نیک صحبت و اخل اولوب استعدای
ایست که بیور و یکه طاعنه احسان ایست که ناسک زیاده و فی
خدای فیاض عیم المبارک زیاده احسانه مظهر اولان مرد
سعادتمند در عدل و انصاف ایله اولسی دست قدرتی
مبسوط اولان کسند در خدای متعالک نعم جرنیه سی مقابله
سنگ و منته تابت اولان حقی او ایله فیاض بی عتک
نعم و احسانی و فی سنده زیاده و دائم اوله و ان شکر تم
لازیم **حکایه** شاه غنیم محمود سبکدین رحمه الله علیه
برده سیاهی کشیده روی روز غیر فرایند که جانه بادشا
اخراج و حرقه در ویشی بر و دوش ایدوب پیشگاه
سر طاعتی زمین مذلت کشیده و روی تضرعی خاک عبودیت
مالیده ایدوب کریمه کنان بو نوعه نالشی ایدویدی **رباعی**

مالک این جهان تو بی یارب	این بنده گان بنده تو بی یارب
نه بزور بازو فتح حاصل شد	تو بخشیده و قوه از تو بی یارب

نکته یا دوشاه صاحب فرمان زیر دستنده اولان فرمانبرانه امر
ایستد طری عمل ایله کند و لر عامل و امر معروف و نهی منکر کند و لر
مؤتمر و منتهی اولیه لر اول عمل و گفتار غیر بدیه و نهی تأثیر و عمل
ایتمر اول کند و لر عمل بعده مقربان و خواصده اجرا بیورده که
دوران و احبابنده و نهی تأثیر اولوب امر اولد و قدغه فرمانبر
امثال و عمل ایله لر **حکما** و میسر و در که اول نصیحت نزدیکیان
گفته و انکه ملامت دوران **مولانا** حاجی قدس سره خردنامه
ایرا و ایلد و کی ابیات مناسب مقام در که نقل اولدنی **نظم**

مستغره حسن گفتار خویش	مگو کن جو گفتار کردار خویش
جو کردار ناصح بونا نسند	نصیحت کی افتد زوی سود
خود عیب ان بجز و میکند	که منع کس از کار خود میکند
نشد مانع طفل قول پدر	که خود خود حلوا و گفتش خنجر
که اصلاح خلق جهان بایست	دل از هر بدی بر کران بایست
نشسته ز خود و حرف عیب است	ر تو عیب شو بی نیاید در

حکایه یا دوشاه پادشاه بر می جمعی شترانی شکست ایتمه امر ایستد
ستبانگاه بیور و یکم فلان باغک او ز فنی شیر افسوس و مرص
دل ایستد و ب دید یکم **مراع** و ده که گفتی بد کن تو میکنی **ست**

و یکم سن غیره اشکه درین	شد می سن کند که انی اشکر
ترتیب مردان خداون بر بندر سوال اولدنی ملک دولت دنیا کجا	

بقا و دوامنده تدبیر ندر بیور و یکم که کو فرمان تو با تو فرمان خدا
که اولور سن خدایه فرمان بر خلق اولور سا که فرمان بر
نصیح یا دوشاه نیکو سیرت خیر اندیشه لازم اولان امور
بررسی و نهی عدل رعایا و انصاف بر ایا در و وجوب عدل
و دلیل جناب خدای جلیک اعدا لوا هو اقرب للفقوی قول
گویم ایجاب استمالیدر پس مستندین سلطنت اولان
کار فرمانی لبیه بود امر واجب الامثال ایله اشیار و علمه
مبادرت ایله رعایا و سلطان بلا و بساط عدلی کشیده
اید و ب عدل ساعه خیر من عباد و سنین شته و عدل
نا پذیر نه مظهر اوله **ابوبکر** الصدیق رضی الله تعالی عنه حضرت
روایت بیور و قدسی احادیث شریفه و در که السلطان
العاول ظن الله و رحمته فی الارض و یرفع له کل یوم و لیل
عمل سنین صدیق **و عمر بن عبد الوهید** رضی الله تعالی عنه حضرت
اساس ملک عدل اولد و غنه تنبیه کونه بیور و یکم که الملك
باجند و اجند بالمال و الامال بالرعیه و الرعیه بالعدل **س**
خود مند اویب و هو مشیار لبیب و یده گشایی بصیرت ایله
اندیشه ناک اوله که هر ساعتده بود قدر نعمت جزیه حصه ناکل
اولمشیکن بوبابده تامل و اجمال ایله بود نعمت طبله در چرخ
اولد و غنه ن غیره مظهر عتاب و عقاب محروم اوله **نکته**
عدل رعیت شرفا محمود و منافعی بسیار اولد و نهی کبی نهی عطله
و نهی وجوه حسن و نهی کثیره در جمله دن ابادی خزینه به سر

عدل در ظلم ایله رعایا فقیر اول خزانهای و وقت ضرورت
 خزینه اوله غالبیت مغلوبیت متبدل اولور و عدل کثیر
 سبدریس محل احتیاجده حربه قادر اولور و عدل کثیر
 اوله امر خزینه به نقصان ترتیب ایتمه و عدل ایله رعایا
 در امان و قلبی معشور و ابادان و کندر صاحب برسان
 اولوب قلوب اهل معارفنا ساظم و جور ایله خراب و یریت
 عتو و تقاول ایله مانند تخته رمال اوله دشمن بیرون
 ایتد که انرا ایله استظهار برله دشمن بیرون و فتح اولور و غنیمت
 غیر می شمر دشمن در و زدن امن حاصل اولور اما رعایا از
 خاطر اوله لر استظهار بر میسر اولور و غنیمت ماعدا بلکه اولور
 اضطراب در فرصت غنیمت در و بیوب اظهار دشمنی انتقام
 سود آسینه و دشمنی ایله صاحب سلطنت دشمن درونی
 ایله دشمن بیرون میانه لکد حوزده غموم و ایمان هموم
 و سرگردان اولوب سبب زوال ملک و دولتی اولور بونک
 امثالی منافع کثیر سی هو شمند عدل اندیشه خفی و دلدر للعاف
 کیفیت الاشارة **فائده** یا دتاه عادل مستحکم و جور متکبر
 اگر جانب افراط و تفریطه میل ایله خراب اولور و غنیمت
نصیحه شاه کشور گیر که میدان اطاعت خداده عقاقل عدل
 ایله سمند نفس سرکشی بسته مایه استقامت ایلیه فرماندهی
 سزا اولور و منافع کون حکم ران اوله ان الله لا یصلح عمل
 المفسدین و عیدینه ماصدق اولوب دولتی مایدار و اتم اولور

اولر **حکما** و بیشتر در که دین را نگاه داشتن تواند الا به علم
 و ملک را الا به عدل **نکت** فردای قیامتده هر کس صدق
 جلالت خدای مستحق ترسان و خوفند لرزان اولور
 مگر اول که که بود روز را حده خدای ذوالجلال و انوار
 و خائف و اندیشه روز انتقام ایله خلقی رنجیده دن صاف
 اوله مظنه لا خوف علیهم ولا هم یحزنون اولور **حکایه** بر عالم
 و علمی ایله کار گذار اسکندین پیشگاه شو کشته ابراز حجب
 اظهار سوز و کداریه بخل ادب حرکت ایدی طبع اسکندره نایاک
 کلکله اغاز عتاب ایدوب بنجون استقامتدن خروج ایله
 وضع کتافی ایدر سین بدن خوف ایتمه نمین دیدی اول
 عالم رستگار جواب داده اولوب دیدیکه بنجون خوف ایدیم
 هر که که راست رو مستقیم اوله خدای عزوجل دن خوف
 ایتمه سندن نه رده ده قالدی مرد و انانک خونی یا ظلم خداوند
 یا خود کندی خیانتدن در بوبنده الکیسند و فی این **نکت**
 کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیتیه مصحفی او زره حکما و بیشتر
 یا دست ایدر زیر دستنده اولان جمله خلق را رعیتی در اگر
 حق رعیتی ادا ورعایا هر استکری سببی بگرند خج غلام دن
 و سالم اولور سه مراد و کلام یا دتای کند زره طلال اولور
 جناخته شبان یعنی راعی غنم کو سفند لر می حفظ و حراست ایدر
 شتر که کیدن خلاص ایدر سه اجوت شبانی به سختی اولور اگر دفع
 شتر که که قادر اولور سه مزد شبانی کند و به حرام اولور و قنند

قادر اوله و هواد و هوسینه انماک ایلده دفع شتر ایلیمه **حکایه**
 شیخ سعدی علیه رحمه الهادی مکه مکرمه دن عود سنده عالم
 تبریز اولان ملک ابا قایلیه ملاقات و صحبت اناسنده کند
 نصیحت طلب ایدی بیور ویدر که دنیا دن آخرته ایکی لنده
 غیر می بر شتی کتیر بری ثواب بری عقاب پس بو ایکیسی میانه
 سن خیرین ملک ابا قایلیه معافده بر شتوانت بیورک دید
 شیخ در حال عدل و انصافده بو قطعه بی انش و بیور دی **قطعه**
 شتی که حفظ رعیت شاه میدارد حلال باد خراجش که فرد جوبست
 و کر نه راعی خلقت هم مار شتی که هر چه میخور و از خزینه سلطنت
شتر ملک ابا قایلیه تاثیر ایدوب کر یان و سوزان چند نوبه راعی ام
 دیر ایدی شیخ دخی هر نوبده اگر راعی بیت دل را کافی و الا
 ثانی دیر ایدیلر صحبت تمام و بساط مفارقت کشیده اولد قد
 شیخ قدس سره بو بر ترحم بیت نصیحت امیر ایلد تمکیل و عطف بیور دیکر **نظم**

یادش سایه خدا باشد	سایه با ذات استا باشد
نشو و نفس عامه قابل خیر	کر نه شمشیر یادش باشد
هر صلاحی که در جهان اید	اثر عدل یا ویتا باشد
ملکت او صلاح نپذیرد	کر همه راعی او خطا باشد

شتر ملک ابا قایلیه اسحق و لیلند ایدوب حسن کونا کونا ایلده خاطر
 تطیب و دلنوازلق ایدوب مظهر و عالمی اولدی **حکایه** **دو**
 مصرعی علیه رحمه الباری یاد شاه وقتنه تنبیه کونه دید یکه فلا
 شترک عالمی ایستد مکه دست لقا و لنی دراز ایدوب رعایا و

اندر

و بر ایامه حیف و ظلم ایدر شش بادشاه بر کون که جز انشی
 و سیو جواب ایستد که بیور ویدر که اول عامل بدکیش تمام رعایا
 مال و منالنی اخذ و غارت ایستد کن صکره که جز اول یقینی
 و یروب زجر و مصادره ایلد مالنی اخذ و خزینه به وضع انکس
 ظلم دید و دل ریش اولان رعایا به نه فائده حاصل اولد
 دید مکرده بادشاه شرمناک و خجل اولوب در حال اول طای
 رفع و جز انشی دفع ایلد رعایا به راحت بخش اولدی **بیت**

سر کرک باید هم اول برید نه چون کوسفندان مردم در
حکایه نو شروان عادلک زنجیر عدل ایلد مسمی بر طر فی مایه
 تحت ششکانه بسته و بر طر فی دیوانخانه اجلانده بر ستون
 بسته و او جنده بر جرس او یزه بر زنجیری و ارا ایدی هر
 بر مسمی اولد اول سلسله بی تحریک و فریاد جرسدن و ادویه
 انتقال ایدوب صاحب داد و خواهک مصلحتی تقاضا ایدوب
 دست سینه داد و علیه السلام و ملکی اوزر کشیده سطر تو ایدر

مقاله دوم در ترغیب صحبت علما و وزراء و صلحا

ترتیب علم اشرف موهبه و اعظم مرتبه سبحانی اولد غنه جامع
 اولان رسول مغاخرینا هم علمده زیاده لک طلبی ایلد و نقل
 رب زو فی علما امر تشریف نما سی ایلد حضرت سلیمان علی
 و علیه من الصلوة اتمها ملک ایلد افتخار ایتیموب علم ایلد **فتحا**
 کسان یا ایها الناس علما منطلق الطیر قول کریمی دلیل قی
 و برهان ساطع در کد لک اصحاب علم دخی احض خواص

و اشرف افراد بشر اولاد قدریه اقرار با اسم ربک الاکرم لدی
علم بالتعلم علم الالاف نام بعلم قول کریمی و بونک امثال
ایات و احادیث کثیره دلالت اید بر قول کریم نفسیه
بعض مفسرین بویله دهن کئی تقریر اولدیلر که عذای بر
خطاب رسول بزرگوار ایدوب بیورر که سن اول حال دانا
امر نده غایت مرتبه خاسته اولان علقه ایدر افرقا
و نهائیه مالکده غایت شرفده اولان مرتبه علمده اولدک
قاعده معالی اوزره بر حکمک وصف اوزره ترتیبی اولد
علیقتی مشهور رسین بوقاعده اوزره نظم کریم دلالت ایدیکه
اگر میتة استحقاق علم اعطاسی ایچون اولد رس علمک شرفیه
و اصحابک اشرفیتده دلالت ایلدی **ترتیب** سیرت فرماور
نیلو و رزقش و شایان خیر اندیشدن برین دخی علمک عملیش
و صلحا معرفت اندیشه ایدیه صحبت و مجالست در که هم قوم
لا یشقی جلیسهم بوطائفه علییه نک وصفی اولمغه الکبر خالص
صحبتده غنیمت عدد اولنوب سائل العلماء و فاضل الحکما و جلیل
حدیث شریفی ایدیه عمل بیوریلد اهل حدیث بوحديث شریف
معنی جلیلی بویله بیان ایتدیر که علما اوج فستدر بر **ترتیب** عالم
بامراسه غیر عالم بامراسه ایلنجیسی عالم بامراسه غیر عالم بامراسه **بعض**
عالم بامراسه غیر عالم بامراسه در سائل العلماء و مراد قسم اولد
خاطر الحکما و مراد قسم نایندر جالس الکبر اود مراد قسم
زیرا انکل صحبتده سناغ دنیویه و اخروییه حاصل در الحاکم

الحاصل علما با فقط ارباب علم ظاهر در صاحب افتاکر کیمی یا فقط
ارباب علم باطندر جاهل صوفیه کیمی یا ایلنجیسی جامعدر علم
و عارف صوفیه کیمی بوحديث شریف بوقام نلته
است **ترتیب** امور مهنته سلطنت بر امر مهم ظهور نده
عقد مجلس علما و مراد هم فی الامر حدیث صواب نمایی
ایله عمل و جمهور استصواب ایدوکی رایی دلیدیری محل نشا
ابر از ایله ماندم من استشار حدیث شریفیه ما صدق
اولوب سلطنتی تابع شرح قویم ایدوب شریفی زبون سلطنت
ایلمیه لکه تاکه دولت و سلطنت بومانیوما متراید و اقرون
اولوب الی الابد بایدار اولد و بوبایدیه تتبع انار سلف و کتب
تواریخ ملوک پر شرف کواه صادق و شاهد و انقدر **نکته**
بایدست مظهر لطف و حق بر عالم دانای برینر کار و فاضل
یکتای کارگذار راه عقده حق ایچون یویان و برای حق خیا
شکم حرصی تپی چشم قناعی ملی محمد راز درون مرهم ریش
بیرون علم ابدیه برو منده شجره طیبه لقب و بادیه صفا
سر زده جرنونه الشرف لاریب برورده زهد تقوی دان
افروز بیجهت خد متکذار کمنه سلطنت راز استنای درین
مملکت امر دینده لازم و اهم اولد و غی کیمی بر وزیر شفقت دنا
و معدلت انار دانای حجب روزگار خرد مندا موز کار
زیر دستانه نقره حرصی ناسره دیده طبعی کل قناعیه
نیوره نیک کردار راست گفتار کمترانه مشفق مهمترانه

کتوم اسرار متحل از بارکش وزارت پرورش امانت
 را ای معتمد امور ده محرم مکتب پیشه معدلت اندیشه
 بر وزیر دانا می لیب و اصف معرفت شناس ادیب امر
 لازم اولد و غنه حضرت کلیم الله علیه سلام الله عزوجل جلاله
 اسعد عامی وزیریده و اجعل لی وزیرا من اهل بارسون افی
 است و به ارزی و اشتر که فی امری دعای اجابت قرینی الیه
 متوج ناج ختمیت حضرت صاحب محبت علیه من الرحمن تحسین
 خلیفتین مکرمتین عمرین رضی الله تعالی عنهما حضرت قدس سره
 بیان کونه ماسن نبی الاوله وزیران من اهل السما و وزیران
 من اهل الارض فاما وزیرای من اهل السما منجیر من و میسر
 و اما وزیرای من اهل الارض فابوبکر و عمر قول تشریف من
 الیه و اذا اراد الله بملک خیرا قرن الله وزیرا صالحا کان
 فکره و ان نوبی خیرا اعانه و ان شر الکفه حدیث صدق
 سخونی شاه عدل در **پس** عدل جوینده شاه کریم بوبکر
 مامل فرما اوله که حضرت سرور کائنات علیه افضل الصلوات
 محبط رسالت محط حکمت صاحب رای سداد اعطی جلایه
 الیک عمرین محترمین کسبی مجمع محاسن اخلاق و منبع شامل افاق
 ذات مستوده صفات کبری امانت کبرییده استخدام و بام
 وزیرای الیه استلزام ایده لکنه کونه امر عظیم اولد و غنی که معلوم
 تا مل کن ای زب داد خلافت
 خدا تر سر بر رعیت کما
 لمبذی قدر مقام وزارت
 که معارف ملکست بر هنر کار

ریاست بدست کسانی خلقت که از دستشان دستها بر خدایت
تمیز حکما و بیشتر در که ملکته ن منزله وزارت بصردن
 مرات منزله سنده در مادامکه خوب صورت مرد نیکی
 مرآت نظر اتمیه مشاهده حسن دیدار الیه کار کار اولم کرد
 یاد شاه خوب سیرت و خیر اندیش بر وزیر معدلت زای
 صاحب دانت مقابله و ملاقی اولمیه محاسن تدابیر دولتی
 عیون بندن تمیز الیه کار گذار اولم و همراه محاسن جمالی صفا
 جوهری وجوده صیقلی حبیبی الیه نمایش پذیر استیصال
 اید و کی کسبی کدک امر وزارت تمام اولم الا جوده عقل
 و صحت فم و صفا نفس و نقا قلب الیه اتمام پذیر اولور
نصیحه سیر ملوک دانش و راندن بری دخی بود که فکر و
 حکمو مترنده گوشه گیر از ذوالان علما و فضلاک مرتبه
 استعداد لرینی کشیده محاکم امتحان و هر کسک رتبه علم
 و معرفت بقصین تحقیق اید که مرتبه استحقاق فکری مقدار
 حرمت و اگر امه نر و اید و ب هنر پرور ک ایده لو تا که
 نادان بی هنر دخی جانب علم و معرفت رغبت اید و ب حال
 حمایت ادرزه اوله حکما و بیشتر در که پیرایه ملکات اصی علم
 و معرفت **رند** وارث ملک و سلطنت اولان یاد نشا
 حقوق ملوک ماضیه و نذر که والد بزرگوار لرینک پرورده
 نعمتدی قدیمی خدمتکار دولت اولان علما و صلحا و وزراء
 اکرام و ان من البر بر او دایه از ترجم فرما سی عمل بر

دست افشان انعام اولوب دو لکره زن حصه دار بی بی
 و اجانب او زرنه زینج ایله ممتاز بیور یوبنده برادر بیور بیور
 زبیکانه نیزهین کردن بگوشت که دشمن توان بود بر شکل دوست
 قدیماں در که بیوفائی قدر که هرگز نیاید زیر ورده غدر
 که خدمت گزار تب کرد کین حق سالهایش فراموش مکن
 اجانب بدولت امین ساختی بینیان خویش بدست خویش
 کرش اهر من دست خدمت ترا بر کرم همچنان در دست
ترتیب شاه تخت نشین جبابرینه لایق و اهرم در که بر قوم گیتی
 مستقول خلعتن معوض و معزول و اندر جابینه صرف نظر است
 و استجلاب قلوب و دعالرینی غنیمت عدایده لر زیرادریش
 مردان حدانک اهری و در دامن او لان زنده دلاکت عا
 اکبر اهر مرتبه سنده در پس خداوند دولت دیده اتمان
 و بصیرتی کت ده اولوب بو مقوله مطنه اجابت دعا و مؤنه
 زنده و تقوی عولت کرین از دوا اولان در ویش و فقر
 و صلیحی بجایه لر تقض و معوضه اتمان و جبر کسر دل کسر
 اقدام و استعداد لرینه کوره اسباب فراغ خاطر و جمعیت دلیک
 مهیا ایده لر سرمایه حراست ملک و دولت و باعث از دوا
 عود شوکت و اگر چه اهرت بزرگ صاحبی در ویش و صلیحی
 بار منشی حکم و منت کش اولمنی طلب ایدن نو انکر لردن و خبر
 و منظور یاد شاه اولده کند و لره فائده یو قدر بلکه اهر بر
 اکه بنا انکر کند لر ستر ایده لر لکن ملکت پروری انکر تقض

تفحص و استجلاب در و لکره تقید و احوال لرینی تفقد در
 اگر هست مردان زهر بیره در هر خود بگوید نه صاحب مهر
 در بدر کوبو بجوی او را هر کجا یافتی بیوی او را
 چون از و بوی خرب عشق اید کرشوی زاره سس اهرت
ترتیب در ویش عالی سمت و صاحت نظر کر کرد و ویش
 نو انکر اهرتک صفتی بود که یا دست اهر مال و نعمته چشم طمع
 و حرصی کت ده اولوب یرده دار استقا اوله و یا
 که اطمع زیر دستده اولان رعایانک مال لرینه دیده دو
 حرص و از اولوب ظلم و جور ی روا دیده اوله **بیت**
 مرده نباشد بر او فاد و بر و مرغ دون طعمه ازین مرغ
بیت غیب شهر و دیار صلیح و علما و فقرا در ویش نه حال لرینه
 انعام و نظر خلعتده شیرین و یسندیده اولوب استلکار او یحقی
 مرتبه اکرام و تطیف مناسب لر لکن خلق استلکار ایده ملک
 مرتبه اکرام و انعام و منصب و لایته نقصان کله ملک رتبه
 تواضع و مساعدده سزاوار سلطنت و کلد ر بلکه موقوفان لر ملک
 کفشار و ر جاسنی اصفا و هر نیاز و کلا منه مساعدده ناروا
 اولعله ازل اناس علی مناز لهر حدیث شریفی ایله عمل بیور
 استحقاقی مقداری عنایت و احسانه ایله تطیف اولنه
 زیر اهری چشم طمع پر و بد مرتبه ایله قناعت بر او لره اهر
 در خواست و نیاز لرینه مساعدده باعث خرابی خرینه بلکه مستحق
 اولده فکر ای احسانه مظهر اولسه لر حوصله مکلدی تنک اولعله

باعث عتو و طغیان می آید و بسبب هلاکی ملکت وجود درمی
 آن الان لایق لطیفی آن راه استغنی **سپه** حکیم مطلق حقیقی
 هر کسک بالای استعداده کوره تقسیم جامه جابه و نعمت
 کیمی حکیم طاهر مجازی و فنی قامت استحقاقه کوره توزیع احسان
 و منزلت اینک لایق در تامل کشیده و دیده استخوان ایدوب
مهر که ملک جامه دهد کواندام تر نشید تغییر فراموشی اینک
 و تشنه رو اگر میسر **و حکم** و بیشتر در که تفویض کارهای
 بزرگ بر مردم ناهل و کارنا از موده یشیانی ارد خداید
بند عقلا و بیشتر در که جلیس یاد شایان عاقل و هوشمند و
 خوبروی هنر مند بزرگ زاده ا حسیل و مال و امن نبیل
 خوش طبع بی طمع جهان دیده کار از موده مرد مکتب و این
 اولان کسند که اولی لازم اوله و غنی کیمی مردم مستقیم نایز
 نایز هر کار و میان ناسده نیکی ایله یاد اولنیا بد کردار
 و غنی کند و ره تقوی و صحت بدیه ادخال سزا دلکدر **حکم** و دیگر
 ملوک اصل فطر نکرده اب کیمی دلدری پاک و مرات اسما
 ضمیر لری تابناک قلبدری رنگ کردن عاریه و کرد غل و غن
 زاکیه اولفله قرنا و جلسا دن ان القون بالمقارن یقصد
 مفهومی او زره انطباع و انعکاس اخلاق ایند کلرند غیر
 خلق و خل و تشنه دن خلاص اولر و قویزنده اول
 سوظن و کار بده واقف اینک خلقی اول کناه و جرم ایله
 مواخذ و غنی درست اولر و وزارت یاد شایانی اول کسند

کسند که لایق و سزاوار در که یاد شایک حفظ ناموس و شرف
 شفقت و اتمامی مالکند شفت و اتمام مذین زیاده اوله
 و رعایایک مال سلطانه حیف و غدرینی سلطایک مال
 رعایایه حیف و غدریدن اهون و اسهل عدایده

مقام سوم بیان وظایف سلطنت

نصیح یاد شاه عدل جویه لایق در که زمان داد و ستد
 بر جای دل کشیده نشسته حکومت اوله که داد و خواهان
 رأیت بت و شکوی لری افراخته ایند کلرند خبر دار اولر
 سرهنگان و حاجبده همانست قادر اولمیه لراحوال صحت
 هر بار سمع هایونه القا اولم خبر دار و اطلاع تحصیل کند
 نصیحت و اتمام اینک وظایف سلطنت در که بملوک شایسته
 عرب تبدیل جامه اولوب نهانی شهری طواف و احوال
 و سکن بلد وزیر و ستانه و قوف تحصیل و نظام حکمکنده
 نظر ایدر لردی اگر بر حیف و جور و شک و غدر مت شده ایله
 و فتنه سرعت و بیاضیه اذیت ترتیب ایدر لردی تاکه
 غیره عبرت اوله و کند و لکرنگ ایله رؤیت و اطلاع
 محکمه معتد بده لارسال و وار و صادر دن استخبار
 ایله ظالم و مظلوم ضعیف و قوی و نیک و بدک احوالنه
 و علم تحصیل ایدوب اقتصاد سینه عمل و نظام بلد لکرند
 ایدر لردی و تبدیل طواف شهر و فایده کثیره حاصل اولر
حکایه ثانی عشره بیشتر یعنی جناب عمر رضی الله تعالی عنه حضر تری

بر لیلہ ظلمہ و سیر اسواق شهر و دیدہ غیرت ایلہ اطراف
و کوشش هوش ایلہ استماع صدا شکار ایدر کن بر سره زن
عجز مانده خاتونک منزلدن بر سوزناک صد ارسیده ^{بصیر}
اولدی استکشاف حال ایتکه اول سالخورده پیون جوبه
لصدی برله دیدیلک عمر کجه لوده دیدۀ نمانا ایلہ سیر اسواق
ایلر دیرلر بن قج کجه درک بونده حسرت نمان ایلہ سیر یالین
محتم عالمه واقف و کل اندن خدایه شکایت ایدرم دیدی
اول جبردار عاقبت نیک کردار حضرت نری فی الحال مرانی قضا
ایلہ اغنا و کریمه کنان درگاه خدایه جبین و ساسی استغفا
اولدی و **بودیدنه** مسلمه بیان ملوکده سنت تحسنه اولوب
حتی ملوک عثمانیان ادا ماسه غریب ابلالهم و زوا عدلهم
میائنده و خی قانون دلیسند لرندن اولوب اسواق شهر
و مرد و حکما هرده تبدیل الشکل سیر و احوال عالم و نظام
ملکله نیه نظر انداز عبرت اولوب حکمی اجرا ایدر لودی و بیل
الشکل کریم ایین سلطنت بلبلر کیبی شنیده و دیدم
و جوری دفع و اصحاب فاده ترتیب جرایبی دخی لازمه
بلوب تأخیر و محاسنه بی رو اکور فرودی تبدیل کرکدن
احواله خلقه واقف و نظام بلبله و اهل فاده عارف برک
و ظلمه غشور او نورسه دفع و رفی ایلہ ابقای عدل و نظام
ملک و دولته اتمام در اکر دیده و شنیده شکرات و فتنه
در حال امر معروف ایلہ فرمان قضا جریانی صا و در و جا

و جاری اولسه و کندی عبت بلکه نهی شکوده تهاون و تکا
سیبی ایلہ مظهر سخت خدا اولد قندنه غیره اهل ف
فاد لرندۀ ترقی ایدوب قلوب صلیا الخواف اولزه اولد
سبب زوال ملکله اولور بو صورته ترکی راب صواب
اولور که خلق امید خیر و حسن طنده بایدار و اهل شرف
خوف و خذروه برقرار اولور **نصیه** ارا امل پیران و ایام
ضعیفان و سائر محتاجان و عجزه در و مندان احوال الدینه
و قوف و موقوفه تقید و اهتمام و مرحمت و انعام لازمه
سلطنته ندر و حدیث شریفه وارد اولمشدر که ان کنتم
تریدون رحمتی فارحم خلقی و عطا و بخشدر که هر کیمه که
در و مندا عجزله مرحمت و دستگیر لک ایتیمه سرور که لایق
اولمه و غندن غیره من لایرحم لایرحم حدیث شریفه مظهر
اولوب مرحمتن دور و دولتی بایدار اولمز بایدار
یتیم و بیگسره مرحمت و شفقت ده یدر منزه سنده در
لا یقدر که یدر لرندن زیاده مرحمت و شفقتی اولوب
حال الدینه کنه انداز عنایت اوله لکه یدر و درویش ایلہ
یدر یاد و شاک فرقی نمایان اوله **حاجیه** بر طفل مشیر خواجه
پدری و فات ایدوب بر کیسه یدر میرالی قالمش اول وقت
حاکمی و حبسینه اوم ارسال ایدوب اول ایمان پرور می
ایتمش و صی دخی اول ایمانی طفل صغیر که اغوشنه وضع
و مجلس داده نهاده ایتدی و حاکمه دیدیکه بو کیسه زر یتم

بویتم شیر خواره ملک در اگر اخذه سزاگور یورس کند
 بدندان اخذ اولنه تا که روز عدل محشر ده دفع لازم کلمه کرده
 نیند کند یارینه دفع اید و سزاگور عالم پریشان و شرمناس گریه
 اولوب طفل بے دانشی اغوشینه کشیده و سرور وینیا
 بوس و انواع نوازشله مأنوس ایدوب و دیدله روز
 عدل قیامتده بویستان کشیده بدینا دیده یتیم صغیر شکا
 و مطالبه سینه طاقت یوقدر کیسه زانکدر و مرتبه بلو عبید
 اولنجه اسباب سبب یجتمعی لازمه و متعذر دیوب خزینه عامه
 تعیین ایراد ایلد تطیف و نوازشله بد و صییه سلیم الیری
ترتیب سلطنت علیه خدمتده اقامی عمر ایشین بیر اختیار
 و عمل مانده خدمتکاران قدیمه لایق سلطنته که کفایت
 اسباب معاش و زنده کانیسی مهیا و گوشه و عاده فراغ
 بال ایلد مشغول و عا اولسینه ایت بیوریه زیرا دعای سحر
 خدمت در کا هدن ایت و الزم **نصیح** ارکان دولت
 و اعیان مملکت احوالی نهانی استخبار و توقف تحصیلده
 کوشش و ایتام بیوریلوب نیک و بد فائز و مستقیم همایون
 اولدقه خانه فرا و مستقیمه اکرام اولتی و ملیفه لازمه
 سلطنته در و نام و نسب دینی و فی معرفت لازمه تا که سبب
 جاسوس خیانتکار اولمیه **فائده** بزرگان عالی مقام زیر
 اولان خدمتکارانده حق اولد که شرط خدمت اولان
 استقامت و عفت ایلد خدمتگرنی ادا ایدوب ذیل با کبر

پاکدینی حیرکاب الوده خیانت ایتیمه لرو خداوند کار نموده
 حقد می ترسینه کمال اسباب نعمت و فراخی مؤنه نظر ایدوب
 خدای منعم حقیقت شکرینی ادا و ن صکره استقامتده بر کار
 ثابت و برقرار اولان بنده لرنیه اظهار شکر و اگر املرنده
 رتقی ایلد غیر لیری رغبت کوبال منت ایلد اصاحت ایلیمه **س**
 اگر مردمان میرسد لطف تو | لطف خود بگوید چه حاجت تو
بند جمع و توفیر خزان حوض منده ایتام لری اولوب خرج
 و تبذیر و اسراف رواداده اولانق لازمه سلطنت در زیر
 دشمن در کمین و حوادث دم در پیش در هر وقت مکر و
 غدارون اندیشه ناک اولتی خردمندانه ایت در **حک** و عینده
 خداوند مملکت وقت فراخی و ایتیمه اولمیه بر حذر اولتی
 و انسب در که کویا دشمن حاضر و آماده در تاکه دشمن ظهور
 تدارک اسباب دفعه فرومانده و عا جز اولمیه **ترتیب** هر روز
 فیروزک بر کار و عملی وار در صاحب کار هو شمنده لازمه که
 بو کونک کار و دخلی یارینه ترک و یارین عمله کله یک
 کاری بو کون اشلیمه زیرا تاخیر و تعجیل مذموم و هر کار و عمل
 وقتنده اولتی محد و حد **نصیح** اخبار ملوک ماضیه و کتب
 تواریخ نمایان سالفیه اشتغال امور عباد و ن فراغ و کلا
 وقتنده مطالعه فرمای اشتغال اولتی دیدنه ملوک قدیمه در
 و مطالعه کتب تواریخده فوائد جمه حاصله در حلیه و ن ملوک
 سالفه نک سیرت حسنه لرنیه اطلاع ایلد اسر لرنیه ایتیمه

و شایان گذشته زمانه اولان تذکر ایله قلب و زکات
 اطمینان حاصل و مرتبه یقینه و اصل اولفله و انانی لیب
 و ملکه فریفته اولیوب اوقات غریزه سنی محل لازمه صرف
 و اصاعتدن برپایه و صیانت و عدل و راستی ایله زمانه
 پیراسته ایدوب سالیته نظر خدا و دعای اولیا اولور کار
 زندگانی ایله دولتی محمد و ملک و سلطنتی خدایت
 و سبب رزوان ملک و سلطنتی اولان احوال قبیحه و
 ذمیعه و کار ناپسند لرنیه و فی و قوف اولفله اول کار
 حذر ایله ملک و دولت صیانت اولنوب سبب امتداد و
 اولور بونک عبور و نضاح کیمی فوایدی کثیره در **فایده** شایسته
 جوینده دوام ملک و سلطنته و اجبه رکه هر وقتکه واری
 پرده غیبی مخفی نظام سلطنت بر قضای ناکامانی و حادثه
 ربانی ظهور ایدوب تشویش خاطرهای یونکرینه باعث اول
 خلق یسر احمده ارام ایکن کند و لر بیدار و شبانه روی
 مناجاتی درگاه حق نهاده و جبین استعانی خالق عبودیت
 سوده ایدوب تضرع و زاری ایله دفعه و قوه نصرت دعا
 و یار ذی صکره اول وقتکه زاویه نشین عزت اولان
 اجابت و عامشایح و صلح و درویش فغانیکو سیرتیه
 خدمتیه قیام و صدق نیت و خلوص طوبیت ایله خاطر
 تألیف و سمیت اعانتی استعاده لران الله عبد الواسع
 مصنفه او رزه و دعای اولیا ایله رو بلا متصور در **بیت**

اولیا است قدرت الاله تیر فرسته بازگرداند ز راه
شرح صحبت اولیای صاف و له داخل و همت و نظر لرنیه
 و اصل و خیر و عالرنیه نائل اولان صاحب بخت برتر
 مراد و اعدا سنیه ظفر ایله موعود و مبتدر و ملوک مایه
 و سلاطین عثمانیه ایدهم الله عزوجل بالنصر الاجل و **بیت**
 و قانون منظمی اجابت و عامنه سی برزاهد برپایه کار
 و عابد تقوی باری باطن نصر فنده استخدام و خدمت
 روشن سلطنته مناسب قیام ایله قیام و محفل استخاره و
 ماخاب من استخار حدیث شریفی ایله عمل و امر استخاره
 محرم و امین و مشاهد لر ایله متوکل علی الله عملده رسیدن
 اولور روی **خصوصا** طریقت علیه نقشبندیه که زنده طریقت
 حقانیه و کزیده سبیل رحمانیه در اصحابی صورتمی ظاهر
 شریعت ایله ارسته جان و دلدری نهر طریقت ایله
 رهنمای مسافران اندرون حاشی درنده کان ملک
 در انجمن مظهر سر لایهیم بیع و لا تجاره عن ذکر الله
 و مصدر نکته لا خوف علیهم فی الله خلقه نظر در قدر
 خلقه کردن سیر هوش در دلدی طور عقدن بر
 حرمسرای هندلی اسایش بخش ملهوفان انقاس متبرکه
 حیات بخش مرده دلان و صف عنایتی مایحیبه فر
 و ستمه سماحتی سبحان مظهر مر بو جبین سود و سمان
 طغریاب مراد مظهر نظر هندلی غم عالمدن آزاد و ذوق بقا

واقف سرقانیه عارف بر قوم شکر و فرقه ناجیه و
 کالف اولد قلدی تجربه کاران روزگار طاهر و هویدا
 اولغله الکابر سلاطین اکثر یا بو طریقت علیه اصحابی ایله
 صحبت و مجلس شوکت مقررند و نه اولخال ایله محرم سلطنت
 و زمانم تصرف باطلدک دست کرم بیوند اتمکرنیه تسلیم
 بی پرده غایت خدا اولد قلدی ملوک سالنه ده مولانا ^{عسکریه}
 قدس سره و مخدوم جانی و شیخ سعدی قدس سره و بود دولت
 علیه ده امیر سلطان و امیر بخاری و شیخ و فاضل اسرار هم کلبی
 تحقیق و ثبوتی کشیده سطر کتب تواریخدر مطالعه ایدنده طاهر
 و مکشوف در **ر**س النگاه اذ انجیر تم فی الامور فاستقوا فی
 من اهل القبور معنوی او زره زیارت بقاع شریفه ایدر
 ارواح طیبه لریدن استمداد و بعده الصدقه تر دالبلا
 و ترید العمر حدیث مشهوری ایله عمده مبادرت و کل معود
 صدقه فحوائسی او زره مساکین و ضعفا و اراذل و ایام
 انعام و نوازشله خاطر لرینی تطیب و زند ایندیری ربان
 و عار لینی تجلیب و نیت خیر ایله بعض خیرات عود و رائیه
 و لشکریان و سار حواشی و بنده کانه نوازش و بخشش ایله
 قلوب لرینی استجلاب و وعده خیر ایله امیدوار بعده ^{منظوم}
 اولتی من الحاشی و ده ان صدق نمونی ایله عمل برله خلقه
 استشاره و اهل اولان و زرا و علما و رؤس عسکر و
 کار دیده بیر و اختیار و اهل و قوف هو شیاری ایله مشاوره

مشاوره و یکدل و یکجهت اتفاق ارا ایله اول حادثه
 و فتنه مبادرت و مضرتنی دفعه مساعت ایدوب یادری
 عون و توفیق ایله روی نیلو و نصرت نمودار و مراد
 او زره و فنی میسر اولد قده حق شکر فضل خدایی ادا
 و کندنی عجز و مقصوریه اعتراف و قوت و قدرت بزدانیه
 اقرار برله و عدا الکرم دین مصداقی او زره نذور و صدق
 و مواعیدک و فاسینه شروع ایله شکرانه بر میزید بیورمه
 ناکه نوبت دیکرده واقعه اخروی طنور ایندکده کو کل طر
 ستر بقدریه مائل و خاطر جمهور اهل اولوب نیت فتح و نصرت
 حاصل اوله **ترتیب** بقا ملک و سلطنت جند و عسکر ایله میسر
 اولغله خداوند ملکه سزا و لازمدر که عسکریه به نوازش
 و اکرام و بخشش و انعام ایله ملا طفقرا و لوب قلیدرینی
 تألیف و خاطر لرینی تطیب ایدر و ستمدر مستحق و در دست
 و فنی و دستلقده قوی و مشق اولتی لازمدر **عسکر** و عسکر
 خزینه و مال بیت المال صیانت و حفظ مصلحتدر لکن اولقده
 و کل که عسکر و خدمتکاران فقر و سختی به گرفتار اوله
 جو دارند کنج از سیاهی ورنج دروغ ایدش دست بر ذبتیغ
نکته بر مرد که سیاه سلطان و عسکر نامنی کند و به زبانه
 و تلقیب ایدر به باد و دینی ایله جانی خدا ایتند مستغرق
 نعم سلطان ایلکن صف کارزار و نگرین و دشمن خداوند
 ملکه مقامت ایتیمه فرار عن الرفض ایله دامن جوانمردی

ملوس اوله و طلیفه سلطنت در که انکه جوارمی و ریلو
غیر بیده عبرت بیوریلد انکه خونیه لایینی سلفده اند و انکه

مقاله چهارم در مدح جود و مذمت بخل

جود و کرم و ستمه شرف صاحب هم و امانه و ستار بزرگوار
موقعی شریف صاحبی منیف رقاب جباریه انکه مصیاد
داد و الکندی ایلد مرید بر حضرت گزیده و صفه پسندیده
حصو صاحت نشین اجلاله راس المال تاج جود و کرم و ستمه
ملکت داریده بر قانون مسلم و اهرم در بر تنک عاقلی خشنده
جودک مدلولی بخشنده کی برق رختان اوله رختانی برق
جهانه ضیا فلک لعانی جود ایلد جان جهان روشن بر تو
بر دم بر تو جود هر دم فسانه جود مر نهایت پذیر اولم جود
حکایه جود و نه غیر می یاد گیر اولم **این قطعه در مدح جود**

رفت خاتم از شمیم خاک	ماند نامش کتبه افلاک
زانکه در زیر طارم ایوان	خبر جود و کرم نماند زمان

پند گشته دست عطا اولی سیر ملوک نیکو سیرت در اوله
قطع نظر لازمه سلطنت و ستمه ملکت بلبلک لازم در لکن حد
افراطه رسیده و مرتبه اسرافه بالغ اولوب مصارف بیت
محل لازمند صراف اولیه زیرا بخل و اسراف مذموم و
اعتدال حمد و صدر و اتبع بین ذلک سبیل **ترتیب** حکما و محکما
جاء خواهشنده اولوب مالی عزیز و دوست طوشتن کسند کرم
ولو اضعی پیشه ایلد سکا بوندن زیاده جابه اولم

خداوند ملکه ایکی دست بنده پرور لازمدر برمی دست بخاک
قلوب خلق کند می ایلد استجاب اولور برمی دخی دست بخاک
رقاب جباریه انکه استصباط اولوب اره اطاعده بر جا

جوانمرد خوش خوی بخشنده	جوجی بر تو بخشد تو با خلق
------------------------	---------------------------

نصیحه مذمت بخل و ستم ده ابن جهان و حاکم تریدی
بیور و قلدی ابایم و الشیخ فانما هلك من كان قبلکم بالشیخ
حدیث تحذیر فرمائی ایلد و من یوق شیخ نفسه فادلک هم
المفکون نظم توقی فامسی سیف قاطع و برهان ساطع در
حکما و عیشدر که بخل خرینه شاییده بر کلید در اول خرینه
دست شاهی کوتاه اولمق ایجون حکم ران ملکه ستمه و اهرم
اول کلیده کنیش و اول خرینه به دست ستمه اوله **بیت**

دل شکر خرینه اش هوکن	دولت شاییش خرینه کس
----------------------	---------------------

حکایه پیش مکارم شکوه رسالت پزوه با و براد خجسته انوش
بر بیوه زن و بیهر زن نجیده خاتونک اعمال خیر و کردار
ذکر اولوب صوم و هره مداومه و سحرگاهده قائمه و لکن
دست جودی بسته و بخل ایلد بیوسته در دیدار اول
نمای راه هدایت جود و سخایه ترغیب کونه بیور و دیگر
اول بیوه زن نجیده نک کا شکله و افه و حیعی عیب ایلد الودیه
بخل ایلد متصفه اولمید می النجیل لا یسود ابایم و الشیخ بیور **بیت**

هر کجا بخل مخزنی سپرت	هر کجا جود و عیبها هنرست
-----------------------	--------------------------

مقاله پنجم در تأمل عاقبت و اخلاص بیت

تصویر صاحب دولت خیریتیه لازم در که اولم تفکر وافی خلق
 السموات والارض ایند که به سبیل عمل ایدوب خدا می ستایند
 و ورام و بقا سنده و کند و کن عاریت و فنا سنده و انما وضع
 عبرت نما سنده تفکر و ملک الایام ند او لها بین الناس
 قوی او زره کردش و در زمانی تأمل و تطبیق امر ند او
 و اشتغال ملکه استوفا اید حقدن غافل و بالملک خلیفه
 و بویج روزه مهلت و نیایه دل نهاده و زین جاده و مال
 عاریتی به دل داده اولمیه لر بلکه بین الملوک و العباد
 صدق ابقا سینه و نام نیکی اید یا و اولوب حسن زمان
 اولمینه است و اهتمام بیوریه و هر خصوص و اعمال و اخلاق
 نیست بعده عملنه مبادرت بیوریه که انما الاعمال بالنیات
 و لکل امری ما نوی و نیسته اخلاص شروع اید کلومی کار
 ابتغال رضاه است تعامد و عمل ظاهر و قوی باطنه تطبیق
 ایدوب اغراض و نیویه و استیاد و بر بنی اید مشوب اولمیه
حکایه خلق و دین بریسی بهلول و انان نصیحت خواجه اولده
 بیور و یلر که و نیاد و اخوت بر فرد بر بنی کتور فر الملائک
 و عقاب کو تورر بو ایکیسی میانده سن مجیر سین عاقبت
 اندیشه

بین از جهان ای جزو بر چیست که نیست از دو عالم خیر تو نیست

مقام ششم در کتم اسرار و تانی در امور با

کلام الملوک ملوک الکلام فحواسی او زره گفتار شایان بر سینه

بر سینه اله هر که ان فیمدر **ع** اول اندیش و انکی گفتار
 نشید می او زره اغار سخنگو بدین مقدم اندیشه و فکر بعد
 گفتار اغار بیوریه تا که اول در کرانمایه بر قضیه کل سر بوز
 الاثنین شاع رسیده دست جوهر بان بازار حکم اولده
 کدر الوده و خل و تغییر اولمیه با خود کند و در اخرون استماع
 اید کلر ند ملکه کوب استقبال اید سر نشن استنبیه **ر**
 بر حال که قبل الوقوع خواص و عوام سانه و دشمنی نخل
 نظام سلطنت اوله محرم اسرار ند لر ندن بلیه کتم او
 لار ندن ریا الیه اول محرم سر اتخاذ اولان بده نک
 بر واقف سر می و ارد و انک و فی بهم جرابس بر فردی
 مطلع اسرار اینک افراد کثیره بی مطلع اینکدر اگر اول خبر
 مطلق اید باب رشو ک افقاجی و شتره مطلق اید باب
 جزانک اندادی لازم کلور **حکایه** و بیشتر در که دوستیه
 هر حال سو بلیک جائز و کلدر احتمال که اول دوست بر بنی
 شنیدن خاطر مانده اوله و سر بنی افتا اید زرا کر سینه
 چشم طبع سیر اولمیه نه مرتبه اکرام و لطفه سر اکوریه
 اهل من مزید و بیوب زیاده و سنی طلب اید مساعدده
 ضرر اولده و غنی ملا حظه اتیمه قلیل و کثیر حق نانه رعایت اید
 بده خالص کیما بدر مرادی او زره ظهور اید و کی کبی حق
 مالی فراموش اید ریس عاقل و لبیبه لازم در که دوستیه
 بلیه اولده مساعدده و در حضرت و یرمیه که دشمن اولده

وقت احتراز ممکن اوله **نصیح** سیر ملوک حسنہ دن برجا
دخی تا نیدر مدح ثانی و ذم عجله ده الثانی من الرحمن و الخلیفه
من الشیطان الحکم و الثانی فصلان یکبها اسه حدیث
شرعی کافی و دافندر و ثانی هر کار ده محدود و پسندیده
ملکه که تعجیلده مصلحت و تاخیرنده فوت فرصت اوله اول
زمان عجله مستحب اولور که فتن غریق و کشتن حریق کبی
علما و پیشکدر که پادشاهلر ده اودن صفت بولمقی لازم
یکی علوالله در که مقتضای فطره اصلیه ملوک و نهضت افلاک
کنده ایله حاصل در **دوم** اصابت رای در که جود عقل
و کثرت تجربه ایله میسر در **سیوم** قوه غریبت و ثبات در که عمر
ملوک در حال ایله مسمی در کتاب جمیع حیزات و فضائل
اصل در **چهارم** مقاسات شدانده صبر در که الصبر فضیلت
پنجم کریم اولوب امتعه و نبویه به نظر انداز طبع اولمقدور
فکر و تأملدری فعل و قولدرینه غالب اولوب مبادی امور
قناعت اولنمیه **هفتم** ارا صحیحه و افکار دقیقه اصحاب ایله
مشاوره و تحریکری سببی ایله افعال لازمی وفق عقل و مقتضای
حکمت اوزره اولمغه جل امتدری مصروف اولمقدور **هشتم**
عقوبه مستحق اولان کسینه تک عفو نه استیصال و عفو نه
تأمل و ثانی اولنه تا که ندامت فائده ویر میجک جمله ندامت
کلمیه **نهم** اصحاب علم و معرفت و تجارب ایله محابسه و محاسبه
اتیکدر زیر کمال ضبط و سیاست ظاهر و باطنده تأثیر ایله

ایله اولور تا شیر نو بلر که معجبتی ایله حاصل اولور **دهم** صحاب
مصلح مصلحتی کند و لره عرض ایده جل مرتبه خلق ایله تواضع
و مساعدت بیوریه لکن اولمرتبه افراط اولنمیه که هر فرد
اوزرنیه لازم اولمیان اموری سولیکه قادر اوله **ترتیب**
عالمه ن بر عالمک حقنه اصحاب جاه و اهل دنیا بک
شهرها و تنی اصفا و استماع بیوریه لر زیر رجال دنیا ده عرض
حالی راست گفتار کیابدر و صاحب غصه در بیوریه
کند و لره صورت نفقه کور نمکله قبول بیوریه عاقبت
کار معلوم و کلدرد و ثانی و ملازم تحریری اولوب
الامر بالتدبیر فان رأیت خیرانی عاقبت فامضه وان
خفت عیا فامسکه حدیث شریفی ایله عمل بیوریه تا که مصلحت
ظاهر اوله و مصلحت و مفده بر قضیه ده جمع اوله غایبه
نظر اولنه مصلحت غالب اوله مفده به اعتبار بقدر
مفده غالب اوله مصلحت اعتبار بقدر تمیز اصحاب رای
سدید و فکر مدیده موقوفدر **ترتیب** مصلح ملکته ن
مصلحت که ارباب الدول ملهون مخواسی اوزره خاطر
الهام نیاهلر نه لایح اولسه عمل و وجوده کتورده ثانی
در پیشت و میران عقل ایله اتران اولنه صواب اولمی
غالب اولدقده نام خدا ایله ابتدا و نیت خیره جرم و کلل
ایله شروع بیوریه و من یتوکل علی الله فهو حسبه

مقاله هفتم در ترغیب خیرات

سیرتخت نشینان خیر اندیش ندن بری و خبیث سمت جبرانه
صرف غنا غنیمت ایدوب خانقاه و جوامع و مساجد و
راهده قنایط و جهور و حیوانیت بنا و تعمیر ایله تقید
و اتمام ایملر و مهمات سلطنت و نعدا و نعتی لازمند

نزد الله مانند از فی بجای
پل و برکه و حیوان مهمان

حکایه معاویه رضی الله تعالی عنه حصر مکه می آخر عمر کرده بستان
اولدیکه سوال اولدوقده شاعری بویستی بنی اعدا و ارشاد و اندک
لیس الفتی بفتی لایستغاب و لایکون له فی الارض انکار
ترتیب تطیب قلوب علماء عباد و صلحا و زهاد و جبر کسر قلب
صاحب دلا و ایله تقید و اتمام بیور لمتی جمله خیر اندیش
اتق و عوده المظلوم مصلحتی اوزره حکما و عیند در که زار
و مکر عذار و ن نه کونه خوف و هذر اولور سه خسته و در
و شکسته دل در ویشلرک اهندن و دعای مظلوم و ناله
محروم و ن اولدیه هذر اولمتی لازمند **حکایه** سلطان غزنوی
در ایدیکه بن نیره مر داندن خوف و ترسان اولم تیراه
مظلوم و نیره سوز سینه محروم و ن خائف و ترسان اولور
نقد محبوس و زندانیلر احوالی افتخار و سوال و کینه
میشگاه معد لدر نیه عرض ایله فرمان و طغیانه سلطنت
و اعظم صدقانه نذر ناکه بیکناه ازاد و جرم کوجب صاحبی
نوبه سی مقبول اولمیت مرتبه حبس ویده اولدیه اطلاق
اولدیه و عارم معسر غریم موسر مدیدن خلاص و صبر و تقصیر

فرمانی ایله با خود خوان بیت المال و ن غیر مملکی ارض
مرتبه سی احسان ایله مد یولر تخلیص و ازاد بیور یله و
و خزینه عامره و ن بولک اشالی صدقانی خداوند ملک
ایده کلندر و دولتی محافظه ده جند طاهر احتیاج
کیمی جند باطنه و خبی احتیاج و اردر انجند جندان جند
و جند الوفا حدیث شریفی بین و ایدر کاروان
و کشتی شکسته و مردم زیاده دیده و سائر محل مرحت
مساکین و غریبا حاللر بنی تقصد و وقوف و ن صکره کفایت
احسان ایله تطیب و تسلی اعظم صدقانه در **ترتیب**
شرعاً عقوبت و جزایه مستحق اولان طالع جراسی و برکه
اهل و عیالنه ان کتم برید و ن رحمتی فارم خلقی حدیث
شریفی ایله عمل اولوب کفایت مصلحتی احسان ایله
و عا جز و فرموده ترک اولمتی سیر معروند ملوک و در

مقاله هشتم در تخیل از دحام و رفیق برانام

سیر ملوک ستوده اطور و ن و خبی و خبی ارباب مصلح
و معانات کلمات از عالج نمانسینه صبر و تخیل در و ان الله
رفیق یجب ارفق حدیث شریفی ایله عمل ایدوب رفیق الله
استماع و ترک عتف ایله جواب مسئله ایله الزام بیور یله
زیرا مهابت مجلس ملوکانه عتف و خستوت منضم اولد
داد و جویان و شکایتک مظلوملر اصف ناکرده بلکه نادر
اولد ملر ندن مر املر بنی اما ویده قادر اولوب مصلحتی

فوت اولور تدرولی و سختی و مردم ارزان خوشنویس
 سنده ریاسته سزاو مناسب اولور دخی کبی مزاج اوستام
 دخی مناسب و کلدر **فقا** و بیشتر در که و سبب ان بکون
 الامام عبت بلا غضب و تواضع بلا شغب یعنی غیر
 ولا ضعف ولا ترل تنی من الحق حتی بهیج شر الظالم و غیر
 انه تعا عنه کتب الی الی موسی الا شوی ان اس **الکلی**
 خیر و جهل و عدلک و مجلس حتی لا یطیع شریف فی حیث
 ولا یأس ضعیف من عدلک **استی** و جیاد و دیر احوال
 متقا و تدر محله کوره عیادت مجلس انب ط و جبه ایله
 بدارل اولمنه ادای مقصوده اسطان اولیوب حق
 باطل و باطل حق و مردی ادب و کساح طور ادب
 ایله صاحب جیاد مغلوب و جیاد غالب اولور لازم کلور
ترتیب و لا یندن مقصود و دفع ف و وقتنه و حتی مستحقه
 ایصاله رشتت عتف و خوشونت ایله بو مقصود فوت اولور
 کبی شدت رفق و ملائمت ایله دخی فوت اولور بنا علی ذلک
 بعضیله ریاسته فراست لازمدر و بیشتر در پس خدو عدلک
 و انش و اس کیر عدل اولوب محله مناسب مقتضای حال ایله عمل **نظر**
 خداوند فرمان در ان شکوه
 نه از که حق خیر بر حق کنند
 رفوعای مردم نکرد و دستور
 نه از سختی و می شرم باطل کنند
حکایه ظلم دیده لرونه بریسی بیش مجاهده ظلم دن شکایت
 ایدی مجاج التقات و اصفا و رد جواب استدی مردشالی

رنجیده خاطر اولوب دیدیکه بومرد حاکم خدای متعاله **میکبر**
 خدای پروردگار خالق عالم الین حضرت موسی کلیم الله
 مکالمه و رد جواب ایدی بو مخلوق عاجز الین منشی مخلوق
 ایله مکالمه به تنزل ایتیر و یدیکه ه حجاجه بو کلام و اصل **نظر**
 ایدوب مرانی قضا ایدی **ترتیب** یا دشا هله رد او بود که
 چشم غیبان و بیگانه لر حضور زنده است و صلابت
 و شوکت اظهار ایدوب خلوتگر زده محرم و فاضله صحت
 رفق و کت و ده رویی ابراز ایدوب دلو ازانه معامله بیور
 و رسول اکرم علیه من الصلوه اتم حصر کرمی حضرت رفق الله
 متعلق اولوب رفته رغیب گونه بیور و یدیکه کو نظر انبالی
 خلق الرحق لم یروا احسن منه و من یحرم الرحق یحرم الخیر
 و خشم و صلابت یا دشا هله لازمدر که او بقدر و کلکه
 اول خوی بد خشم و غضبیدن خلق تنفر **ترتیب** یا دشا هله
 عدل و داد بر بنده انعام دیده سینه کجب المصالح خشم
 و غضبی رو کرده اوله یا ای خشم و غضبی اندازه استقام
 و جزا سنده زیاده ایلیه ناکه جرم کنی طرفه نیل و عتق
 خشم طرفه عتق انیمه و دوست و دشمنه طریق **حکایت**
 کتاده اوله که دوستکین محبتی زیاده و دشمنکین **عداوت**
 تسکین و قطع ایدوب **حکایه** و بیشتر در که دشمنکین متفق اول
 انده علیه و حضرت بنیله نبی توفیق حاصل اولور توفیق ایله
 میانکین بر طایفه ملک کو کلنی صید و کند و کجانبه نیل

ایستاد ملک ایله غیر ندره تفرقه و نصرت میسر و مستاده اولد

مقاله نهم در قبول هدایا

و اب ملوک مکارم شهیدان بری و فی بود که استان
ملوک اطراف و وزرا و علما و عمال طرفه ندرن تحف و هدایا
و پیشکش و عطا یا عرض اولنه طریق مودت و رعیت
قبوله قرین ایدوب روا کرده رد و بیورلیه و شکر منعم
و مهدی حقیقی او ابرله برامیدی و اریه حصوله
کلمه سنده نیم کرشمه عنایتی در کار و مقضی المرام بیورلیه
سزای کرامی و دیدنه جهان بانی بود و رسول محترم علیه
من الصلوه اتم حصرتیک بینگاه مکارم و ستگاه و شکیل
یا هر نه جلیل و حقیر بر هدیه عرض اولنه ما جافه جلیل
جلیل و بیوب منعم حقیقی احسانیدر و بیو قبول بیورلیه
اصحاب کرام و خلفا با نام سیرت حسنه لر و فی بود و در
مذموم اولوب شاعرند قبولنده نهی وار و اولان رشوت
رشوت ایله هدیه میاننده فرق رشوت مقصودی حصوله
کلمه سی شرطی ایله یا خود حصوله کلمه سنده اعانتی شرطی
و بریلان شئی و برلر هدیه بر بشرط ایله بشرط اولن
شئی در **علما** و عیلمدور که میان اسلامده ایلمی شئی شنیع و لایق
و نیم منیع که احکامده شفاعت ایله رشوت در و شنیع
ایله موسوم و شهرت ظهور بولنده امانتی اهلنه سیاحت
بابنه کشیده سد اولدی اللهم قبح اساسها عن الناس

مقاله دهم در طرب و مزاج

تاج و ران عدل دارانه انشا و هین صفوت شری
ایچون و طایف سلطنت و مصالح رعیت و طاعات عبودیت
کرد کلال پیرامن کرد دل صفا الفندی اولوب برات
و لاری رنگ الود کدر اولدنده صیقل عیش و طرب و شادی
و صید و شکار شلی لود و لعبت طبع ایله تجلیه دل و سر
مسعد اولدوغی مرتبه مزاج ایله تصفیه بال و دیده مسلمه
فرمانده ان نیکو سر دندر و سر سر و ران نبوت جناب فانه
رسالت علیه افضل الصلوه و التحیه جناب جامع انواع
تعینا لانه و بیانا للجواز کلمات مزاج انیر ظهوری ثبت جریه
صحایف سیر در جمله ده ساخز و ده بریره زن عجایز لقبه
العجایز لایه فطن انجته و بیو مزاج الوده کلامی و اخ
الن بن مالک رنیه ناعنها جناب بر نه مزاج کونه یا ابابکر
ما فعل النفر و بیو کلام تملط نالری ثبت صحایف تحفه
امام بزرگوار و مقتدای یسزیده اطوار امام محمد بن ادریس
الن فنی علیه رحمه الباری حصرتی دم الوده کی کلامه حنفی
ازمان ایچون عبادتة خلل و بر حمل اوزره لعب شطرنج
جوازنده قولدی رسیده مرتبه نبوت در **ترتیب** عطا و میسر
بازی و لعبت و لود و ضرافت روا و جائز در لکن و نقد
الکثر اولنیه که خفت عطفه منسوب اولد و نه هد و عباد
شایسته و واجید لکن اول مقدار و کل که زنده کانی

و حیاتی کند و به غیر یزید تلخ آید **مقاله** شیخ شبلی علیه السلام
 حضرت قمری ملوکند بر بیک مجلسه داخل اولدند وزیر عیسی
 شطرنج مستغول کوردی دیدیکه احسنت خدای متعال
 مقام سلطنته عدل و راستی ایچون اجلاس بشیخه سربازی
 ایلر نمر عیده ملک داری کار عظیمه همه وقت بیدار اولد
 شغل و غفلت نه گذار و سحر کاهده هو شدار جیهه ضراعتی
 درگاه خدایه سوده ایدوب نیارده اولک دوست
 و قلم و زبان و قدمی منصفه شریقه نهاده و مصالح ملک
 و دین انده اولان محله نشاند ایدک ناله عصبیت
 داریندن خلاص و پی برده راه اختصاص اوله بنیر
ترتیب دادوران ملکت آرا شاه کامراییه اوقات غریزه
 جبار قسمه توزیع ایلد رنده کانی دارینده شمر ثمره اخراج
 بر قسمی تدبیر ملک و رعیت بر قسمی بین الناس احوالی حکام
 شریعه و معدلت بر قسمی لذات جسمانیه به اهل و شهر
 و شکار و لهو و لعب و استعار کیمی زیرا استعار فارسیه
 و عربیه ایلد نشاط اولر لکیر ملوکند بر قسمی لذات
 روحانیه به مصروف اوله مناجات و طاعات و خیرات
 و استراحت کیمی حضور صاحب کاهده که دم نشاندگی
 ابواب سعاد و اوقات عمر الوقت سیف قاطع منقوش
 اورزه نیز کند و سر یلح السیر اولمعه فرصت غنیمت
 اولوب حسن زمان اولمعه اہمیت بیوریکه همه اوقات

اوقات تلف کرده و ضایع اولمق سراسر مروت و کلد
 بسا اهل دولت بیازی نشست که دولت بیازی بر قش زوت
مقاله باریزیم در غل اعمال
 نشست رعیت پرورده اہم مقامین و رکه زیر دست
 حکومتگرند فرمان روا اولان ولایه و قضاء و عمال
 استقامت و امانت و رعیت پروری و عدالت ایلد سوز
 اولد بر سنه دن زیاده بر منصفه ملکت اولمقی روا
 اولمیه تاکه بر خیانت خفیه و نشیده سی وارل اشک
 اگر خلقه نافع بر عدالتکار و جور و ظلم و بر پیر کارایه
 اول جایدن عابی و بکره و بر منصفین منصف اخراج
 نقل ایلد ممتاز و بین الاقران مرتب اکر ام سر فرار بیوریکه
 غیر یزید و فی جانب عدل و خیر ترغیب سوریکه **امام اکرم**
 مقتدای اعظم پیروی اہم سابق خیر و کرم ابو حنیفه النعمان
 علیہ السلام الرحمن رضوان حضرت مکرندن منقولدر که قصه
 بر سنه ملکت ایلد الکفا و راس سنه ده غل اولوب علم
 و عمله اشتغال و تدارک مافات ایلد امر اولد و بر سنه
 حیثیدہ مرات حنظل غل اولدند اسحقا قنہ کوره
 منصف اخراج اولدند **ترتیب** ولایه و عمال و قضاء
 بر بیک برکنه قبیعی نمایان و تعزیر غل ایلد تاوایند
 خدمت قدیمه سی فراموش اولوب مطروح را دیه
 اولمق سراسر کرم کسری و کلد لایق اولد که اباعن جد

صداقت و استقامت ایل و دولت علیه خدمتده بر درین
بنده قدیم و المکدر دیرینه و ن بر جرم و گناه نماند
ظهور اوله قدله لکل جواب و کبوه و لکل حکیم هفوه مثل
اوزره خدمت سابقه سینه رعایت ایل بر ایل جرسند
انحاض و مواخذة ده تالی و کوشمالی تنبیه ایل الکتفایوه
بعد التنبیه بنه بر جرم ناحشی نمانده اولورسه تاویب
ایل تاویب و غیره عبرت بیوریه و جرم و گناه بی
عزله روا و توبه سی ظهور ایل که ده طالع منسوب
استخدام بیوریه و بر عله ایل بنده سیار شش اولمقی
اقتضا ایدرسه میا لکر بنده محبت و دوستی استوار اولور
بنده لره سیار شش بیوریه بنیلر بنده شقاق و افتراق
اولان ایل لکسه تقض و انکره سیار شش بیوریه ناکه بی
برندن حذر برله استقامت ایل خدمتی ادا و سومی ضایع
صرف نظر ایتیمه **ترتیب** عفو گناه و جرمیدن که شست
بر لکسه حقه روا اولور که عقل و دین ایل بر آسته و تکر
و عدل ایل بر آسته بر یکتا وجود بی نظیر اوله که جرمی عفو
اوله قدله خلق استحقاق و دعا ایدوب بالیکر کندنی استحقاق
و دعا ایتیمه **نکته** خداوند فرمای بر جرم کرده بنده سنگ
خطائی عفو و جرمی بخش مراد ایت بر توب و تقوی
ایل لبس معاتبه ده اثر عنایتی ابرار ایل صاحب خوات
وزکا اولان بنده فاضل و حال صگری ضمیمه هایونکرندن

هایونکرندن اکاه و انکر دخی مقام شفاعتده عفو جوده
یونکرندن عقد بند توبه اولمقی اظهار ایل استشفاع و شفا
هایونکرندی برینه کتور ملک مقتضای سوده شیمی صاحب
کر مدندر **حکایه** هارون الرشید مقامات دیواندن
بر دیار حیانته واقف و الی گرفتار مضیق غل ایل که
اکابر اهل دیواندن بر طائفه چند روز مرورندن سکره
توبه مقبول و جرمی عفو اولمقی باینده استشفاع ایل که
بیور و لکر که بو تاویب بو قدر جرمی معافیه سنده و کله
بلکه اول لکسه که بنم مالمده حیانت اید و بال و خونی
اولیه رعایایک دخی مالتی اخذ و خونکرندی بریزان اولور
خوف و بالی اولور **نصیه** حکما و عیشدر که هر کیمه کند
امین اولیه سن دخی اندن امین اولیه مار و کزوم کنی
صرری خوفندن انسانک هلاکنی قصد اید **ترتیب** لکسه
بر حور و بدی ایل سن سندن و لکر و خوفناک اولکسن
دخی اندن امین اولیه خوفناک اول و صحبت ادا حال ایتیمه
مشاهده ایدرسین **نکته** وارد اولمندر که بای دیواندن
وساکن بودن و یحیه مار کشتن و امین نشستن کار خود
بیت و دشمن هر قدر ضعیف و خوار اولسه الی برجل
و عله استخدام ایتیمه و دوستلره دخی اول قدر مرتبه
مایه و برمه که دشمنک ایدرسه مقاومت ممکن اولور
و عیشدر که مردم جور دیده و ستم کشیده و سختی چشیده

خدمت بسیاری ایله مجد و ارتبه انشاء یتیم و یتیم
ایله یتیم بی نوازی و خوف کرسنکی غول و مضیق یتیم
استقامت و راستی ایله خدمتده ایتیم ایتمی خود

مقاله دوازدهم در بیان اقامت حدود

اقامت حدود و مقاصد لازم و مقتضای صاحب سلطنت
و احوال و تأخیر نده مذمت اولدوغی و لا تا خذکم بهارانه
فی دین الله اینه کریمه سی ایله و اقامت حدود لارض خیر لایلا
منه فطر اربعین یوما و اربع للولاء حدیث شریفی ایله
تأخیر و حدود و مقاصد شفاعت شفاعت سینه قبلیه
اولمسنده و فی شفع شفاعت سینه یکن له کفل منها ایت کریمه
اهل تفسیر بیان و فقها تفسیر ایتیم در **ترتیب** مجلس بهای
شهرت ایه و مر و شکم الوده غرض تا حد اترس بر بکنایه
و امن عفو تنی چو کلاب الوده تحت ایدوب حقتنه بر
ایله بد کو یلق و جو اسنیه الجاد اغوا ایله سترای بنده
اولد که اذاجکم فاسق بنیا فتنوا ایت کریمه تبیین
ایله عمل بر له بر طر فساد استعجال و حقیقت حاله و صیوله
اهمیت بویله و احق عاقبت کار اولدنده اگر جرحی
اولد و سه جرمه کوره جزا ترتیب اولنه اگر اخل و اقرا
اولدوب عفو تنی متبیین اولد و سه غیر بیره عبرت اولم
اول پال دانه اگرام و اول مضر که ایلک جزا سنی جزا
اقرا ایله ملوین و امن یا کنه سنی ایدوب ظاهر الدین ظاهر

ایدن مرد با ملک راینه حواله و انتقامده خواسته شسته
قانون بنده بر و یدر تاکه غیر بیره عبرت اولد **ترتیب** حکما و
ستم دیده لرین و ادینی و یدر تاکه ستمکار
و کتا حلقه جری اولیه **مثل** اگر سلطان دفع و زوان
بیاروی خود کاروان میزند **حکایه** ملک نوشهوان کفر
مستصف زب عدل ایله متشرف ایدی صلحا و نه بر مردکا
واقع سنده کور و یک خوش و خرم بر جایگاه عالیه نشسته
شادان و خندان بو مقامه مذمت و اصل و بولطفه مذمت
مانک اولدک و یدر که جواب و یدر یک مجملده اقامت حدود
و جزاوه شفقت ایتیم و بی گناه ازار و عتاب ایتیم
سیمی ایله بولطف و عنایت مظهر اولدم و یدی و کت

مقاله سیزدهم در نصایح عامه

مردم خیر و نیکو نام بو و ارفنا و ن استقال ایتیم نام نیکو
رتکی ایله نینه زنده در زیر نام نیکو و خیری باقی و زنده و مرد
شیر و بخیر زنده الین نینه مرده و **نکته** بزرگان و اخصا
اور زنده خردان و صغیر لرین حق القام و بخشش ایتیم
اهمیت عالی ماکین و تقواک مالنه نظر انداز طمع اولم
جوع و اجلغه صبر خیر لود و بیلوی در ویش نذر کلن شیع و کت

اگر عفتازی بر کی میرد شکار از خیل کجنگان نگیرد

ترتیب اندیشه و فکر ایله ای استیار و خود مند سن اول
ایکی قوم میانده سین که بر قوم کندی و مقام و جاهنی سکا

ترک ایدنی الان سن اول مقام و جا به سین و بر قوم دخی
 سن کیدوب اند اول مقام و جا به کمال استر که پس
 ایلی عدم میانه کزارنده اوقات سین هیچ عدم اعتبار
 اولور می **نکته** مرد و ملک جهانگیر لک اید و طهر بلکه خیر و نیکی
 مرد جهان به رغبت ایتم محبت جهان در و ننده بر ایتم **ترتیب**
 اگر دست قدرت و جا به میسر اولور اول کار و امور
 است که اگر بر کشته اولوب الان کیدرسه انک شکسته
 قادر اولور سین **حکما** و میسر در که ای پشیمین خواب است
 اولان کشته بیداران محتاج اندیشه و فکر اید ای غنی و
 اولان کشته بولده رفیق اولان فقیر و ناتوانی ملا حظ
 ای توانگر صاحب فراخ دستی تنگستان اولان محل محنت
 عاجز و رجم در عایت اید کوشش سماعنه بوکیو انسر
 اول نزول ایدن مسافر لک احوال و اخبار می و اصل
 انک کشته یکه نه کتور دیگر هیچ بر جفا مظلوم اید قالدیمی اما
 کنه و بال طلاله اید قالدیمی اگر راست خواهی درویشی
 بسلاست به از تو انکری به علامت **مسیر و حق درویشی**
 ای مرد اگر بیدید تحقیق نکری در ویشی اختیار کنی بر تو
 کوشش هوش استماع و ایندر سین که استخوان مرده یکه
 ویر که بذخ منک کبی بر مرد آدمی ایام حیوان قنصل
 صرف هوا و هوس اید اصاعت راسن المال حیات ایندم
 سن سر آمانه هوشی جمع اید سندی نیم کبی نامم اولور **مسیر**

جو مار بغفلت نشد روز کار | لو باری دمی چند فرست شمار
نکته هر کس خلق بوجه رنجیده ایتیه که درون خوف ایلم
 عقوبت هر بار کندهی فعل جیشدن خائف و ترسان اولور
 که به بی ازاد و لدغی ایجون درون خانه ده امین که
ترتیب دشمن ضعیفدن خوف و حذر لازم در زیر اوقات
 بیچاره کیده جان و باش اید سعی ایدوب قوی اولور که
 اگر چه ضعیفدن لکن وقت ضرورت سیر اید جنگ اید
 جنگالی اید حشمتی کور اید **نصیب** مرده لایق که بر غیر
 اید که انک و را و غیا بنده یاد و ذکر اولنه انک حضور و
 و مواجبه سنده خوف و طمعدن یاد و ذکر اولنه و برتر
 سعی اید که سندن صکره کلن خلق میانه یاد اولنه کلا
 و یاد شاه میانه مرده لکه فرق یوقدر سرمایه فرق
 نام نیکی در **ع** کمز و انکه نامش نیکی بود **نماده** دشمن دشمن
 اید جنگ ایت بری غالب اولور سین مظلوم ظفر
 بولمش اولور سین **ع** هر طرکه کشته شود سوسلا
پند دشمن صغیری ترک ایتیم لازم در زیر اوقات و حجب
 و کبیر اولور شطرنج بیده یاده یول بولدیچه فرزا اولور
 اید راهنی سده محتاج در تاکه سن ظفر بولور سین
 هر چشمه شاد کز قنیل بیل | جویر نشد نشا بد کشتن بیل
نکته دشمنی هر کی اید اول مک شاد اولور سونکه کندهی کمر
 امین اولور **پند** لیسر حالنده کوکلر که کتور یک لازم در تاکه

حالنده کارگر و فائده سی اوله من لم یزکله الله فی سیره
لم یزکله الله فی عسره **ترتیب** بدو کردن رجیده اوله کلاه
نیجون عمل خیر و کار نیکو اشکرتین تا که خیر و نیکو سولیمه کرد

جو بیدار کردی توقع مدار که مانند بنیکی رود و در دیار

نصیح حکما و عیلم در که طعام اول وقت خورده و اکل اول

استراخا غالب اوله و سخن اول وقت گوینده اولور که سولیمه

ضرورت اوله و یستر راحت سر اول وقت نهاده اولور که خواب

غالب اوله و ستوت اول وقت دفع اولور که شوق نهاده

و اصل اوله **نکته** خردمند سخنی اول وقت سولیمه سولیمه

فائده اوله **عقل** و عیلم در که برکنه که راست گفتار

قادر اولیمه و کندی پایه سی ابله سوز سولیمه قادر اولیمه

و سولیمه و کی و قنده سودمند اولیمه که لا یقدر که جمیع

سوز سولیمه اگر بوضو عیلم سولیمه کندی بشما اولور

سخن گاه و سودنی جزایا بناید که رانده شود بر زبان

صحف ابراهیمیه ده مسطور در که علی العاقل ان یکن

بصیرا بر نامه مقبلا علی شانه حافظا لسانه **نکته** سخن از

ایله سولیمه نصف دانند و آنچه اندازه ایله خرج اولور

نصف کنه اتق در وحدینی بلک نصف اسانقدر و خلق

کنیدین راضی اولور نصف سلا متدر **ترتیب** از اولی ضعیف

حقیر و سهل عد اوله متق لازم در زیر امور اتفاق ایله

زبان عا جز ایدر که و یستر بسیار سیل و مالی هلاک ایدر که **نکته**

نکته اگر دیر سکنه که سکنه او زرنیه بر دقیقه عیب طوی

و قوعندن اول سن کندی او زرنیه طوت و عینبی سن

و دستکردن سوال ایتمه راست سولیمه و شتمندون

سوال ایله کورنه سولیمه **نصیح** بر محله که لطف ایله سخن

کویلی لازم کله کار خود مندی بود که قولاله قولاینا

نظم نصیحت ناسی عمل ایدوب و امن کبر رفق و نرم اولور

درستی و سخنی ایله سوز سولیمه زیرا کند بهایم ایچون

لا ندر و بر محله که قدر و عطف ایله گفتار لازم اوله لطف

و ملا یکت ایله گفتار سزا د کله محل سقم نیاده سکر صبر

فائده سی بود که **نکته** اگر سنده خداوند فرماندهیدین

و خوف و ارب زیر دستنده فرمانبر زرنیه لطف ایله

سکنا شرنه امین اولسون سندن سخن شردادن امین

خاتمه منقسم بدو قسم قسم اول در

عقل و دوم در فضائل خردمند قسم اول

عقل لغت فارسیده خرد و دانش ایله تعبیر اولور حکما

و علما اهل السنه معالی کثیره به اطلاق ایتمشدر بر مجله

علما اهل سنه محققین استخوان ایله کلری معنی دانند

ایله محقق طوسین قول حکما و سنه ضا ایله و کی معنی

ای نظیر فکر می ایله الکفا ایدر لم تا که کرد کلال دل سامعینه

نهاده اولیمه **سین** محققین اهل السنه بو نوعه تعریف

تعبیر ایله تعریف ایتمشدر که عقل نوره مشابه بر قوتدر

اورا کندی ایله حاصل اولده و اول قوه نوزیه ایله
 صاحبی اولور کندی ایله ابتدا و ننان طریق که مراد طریق
 فکر و اول طریق ابتدا سی اورا ک حواس منتهی اولور
 محلدن در **تشییه** ار یک نشین قصر نتهوی اسما اولان سلطان
 شمس اشعه زرتار ایله روشنگر شهرستان عالم اولده
 اورا ک جلایه نشین با صره کلام مرتبه قوه دن بید افنده
 جلوه کری برله مشاهد صور غرائب زمین و زمان آید
 کبی فکر و نفوس تسانیه ده حکم ران اولان سلطان شکر
 عقل و فی جبر شفاعت کنایش برله محکمگاه اجلال قلبیه بر
 نهاده آید که کین گاه انتظار ده کمر بند امتثال اولان
 اورا ک مضیق الار جایی قوه دن ساهه فیه الار جایی
 ستا بکری خروج برله سبب کمال فرو شکوه عظمت
 سلطانی اولور که **و محقق** طوسی بو نوعه تعریف ایتد عقل
 بر جوهر مجرد و در بدن انسانه متعلقه تعلیق تدبیر و تصرف
 و بو تعریف ایله موقوف اولان عقل فخر کائنات علیه افضل
 الصلوات حصرت کربک خبر و یر و کلامی اول مخلوقات
 و مناط تکلیف و فی عقل اول مغله ما اعطی انه فی عباده
 احسن فی العقل حدیث شریفی عنوان دیاجه مدعی اولد
و درت مرتبه سی وار در عقل هیولانی عقل بالملکه که مناط
 تکلیف در عقل بالفعل عقل مستفاد تفصیلی کتب حکمیه و
مهران حکما و بشارت و که هر کسک بر شریک و انبازی وار

وار و یا و شاهلرک انبازی عقلمد زیر سالار ملک دین
 و کشور بدنده متصرفدر و تاریکی جهلدن روشنائی علم
 خروج رهنما و در حل و عقد عالم بدنده جلوه نما و در
 خردمند کوید خرد یا و است که بر خاص بر عام فرمانبردار است
 خرد راسن ادبی لشکر است همه شتوت دار و جاگرت
نم و هر شیک بر آلتی وار و در و انارک آلتی خرد و در
 بر معاونی وار و در جاگت معاونی خرد و در و خدای و باب
 مطلق مرد و انایه نعمت عقلی احسان ناکه دیده بصیر ایله
 مشاهد سی ممکن اولیان امور سی چشم عقل ایله ادراک
 ایدوب امر دین و دنیا سنده قاده قاده ضلالت اولیه
نم دوم در خصایل خردمند
 اهل دانش و خردمندک خصایل او ندر **اولکی** اشکارا
 و نهانیده خداون رسان و خائف اوله مخافه راس کل
ایکنجی عقلی هو ارفضنه غالب اوله افة العقل الموی **چفج**
 وقت کفاره اندیشه ناک اوله رحم الله امر احسن
در دنجی امورده تدبیری اوله التدبیر لصف المعیته
بشجی حربه صاحبی مرد و انار صحبت ایتش حجب امور اوله
 لا حلیم الا ذو حربه **تنجی** خوب کفاره و شیرین زبان اوله
 الکلمه الطیبه صدقه **دنجی** سترم و حجاب صاحبی اوله کجا
 من الایمان **ملکنجی** رفقا و مدارا صاحبی اوله راس العقل
 الرقی **ظهورنجی** صاحب تواضع اوله من تواضع لله

اولی بر امر و کار که کنی نفع دهنده واجب اولیه فاعل آنست
 مخیر اوله عرض حالی یا مالی به واقف اولیه اول کاری ترک
 ایده لابد لکل عمل من مصلحه جمیده **مکتبه** هر مرد که دانش ایل
 موصوف خردمند اوله بود اون خصلت شعاری و بر جمیده
 و ناری **اول** صحبت و انابه رغبت و محبتی اوله **ثانی** کند و رای
 و تدبیریه اعتمادی اولیه **ثالث** مسفت اولیان محله کفایت
 نصده ای بیمیه **رابع** حجب روزگار اولیان کمندره اعتماد
خامس نادان اولان کمندک معاونت و دوستی اعتماد
سادس نادان صحبتدن حاضر و گریزان اوله **سابع** بیوجه
 کمندیه از اراد و غضب بیمیه **ثامن** دوستی خیر و نیکی و دوستی
 خیر ایله مکافه ایده **تاسع** خوی نیکی خوی بد و نیکبند و انما
 نیکی به سعی ایده **عاشر** استحقاقه کوره و دسترک حقوقه
 رعایت ایده **قصیر** فرید و نده مکتوب ایدیکه زیاده خیر
 مردم و انان ایله صحبت و دوستی حفظ و میاندر نش
 دوستی امر عظیم مردم بی دوست سر بی چشم کبی **حکایه**
 ملک نوشر و اندن قیصر روم سوال ایدیکه نه گونه عمل ایل
 در عینی حفظ و ضبط ایدیک هیچ بر کس اطاعتن خارج و ایدیکه
 مخالف اوله جواب و بر دیکه بدی ستی ایل **برسی** حفظ
 ایدیم کمندیه بیوجه و شنام ایدیم **النجبی** کند و مه امر و نهی
 قصور ایدیم **اونجی** دعد و وعیده خلاف ایدیم **در دخی**
 هر که لایق اوله و غی علی سیارین ایدیم کندی هوامه تابع

نا اهل اهل او زربیه تقدیم ایدیم **النجبی** عقوبت لازم کلدی
 ایچون ایدیم کندی خشم و غضبه تابع اولوب ایدیم **نخست**
 رعایایی دست عدل ایله تربیه ایدیم **بیخشی** رعایانک
 قلوبی استجاب ایدیم کفایت است و صدق ایل **حکایه** و نیکو
 یا و شاهلره اوج ششیه رعایت ایدیم و اجبه **اول** آباد
 خزینه و ولایتیه سعی و اهتمام **ثانی** رعایایه شفقت و رحمت
ثالث کار بزرگی مردم احمق و بیخوده سیارین ایدیم **حکایه**
 جناب فخر ملا اعلا رسول خدا علیه من الصلوه انما حضرته
 ال سالک امتداد و ولتیه باعث نذر و بیو سوال **سابع**
 بیور و بلرکه که اقامت بالعباد و عمارتیم فی البلاد **بعض**
 سبب زوال یا و شاهی و خرابی خاندان لری سوال **برسی**
 و دیدلر که ارباب دانش و عطفه سیارین لازم کلن کار
 و عمل عظیمی احمق و بی خردلره سیارین ایدیک رای و تدبیر
 صاحبی کار داندان قانلری اسیر هوالمند الله و ولتیه
 احوال امر سبب زوال سلطنت اولدی **حکایه** نوشر و انما
 محک سلسله مرحمت اولمق زعمیلده امیر خور سالک دارینه
 سار فکر کیروب مالنی سرقه ایتیمند و بیو حکایت ایدیکه
 غرضی فرمان ایدیک تعجب کنان محل مرحمت ایلن عذیب
 و بیو استکشاف حال ایدیکه کندی مترنگ حفظ و حرا
 قادر اولیان حفظ حکمت و خزینه به نیجه قادر اولور **حکایه**
حکایه معاویه رضی الله تعالی عنه قصر تکرکی احف بن قیسند

نیجه در ویو سوال ایته دی وید که انت الزمان اذا صلحت
صلح الزمان و اذا افسدت فسد الزمان **ونظم** هذا الکافی
الجزیل المملو بالنصح الجلیل بالذکا الماتور الجلیل عن الکابر اهل
البيت یامن اظهر الجلیل وستر القبیح یامن لم یؤخذ
باجریه و لم یتک السر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز
یا باسط الیدین بالرحمة یا واسع المغفوه یا مفرج الکرب
یا مقیل العثرات یا کریم الصغ یا عظیم المن یا مبدئ النعم
قبل استحقاقها یا رباه یا سیداه یا غایه رغبتاه یا اینه
اسئلک ان تصلى علی محمد و علی آل محمد و ان تشوی خلقی
بالتار و ان تفعل ما انت له اهل و لا تفعل بنا ما نحن اهل
و احمد به رب العالمین و هو ولی التوفیق فی الاقتراح و
الاتسام و نعم الرفیق عونہ فی کل الامور العظام ینجا
رسید ابن یندنامه نوید بکاک شکسته صاحب تنظیم
سده دیرینه دولت کرم کسری عبد الرحمن
یسری المدعو بکیری زاده سیر الله الیسر ما را ده
اراده باجنی و الزیاده مقارنا باخیر و العبادہ
باو کام و دجهانش داده کند از قیدی از آده
در نهم رجب المرجب سنه خمس عشر
و ماه و الف مبراجه ممل
العز و الشرف